

گزارش سال ۲۰۲۶

با گرامیداشت یاد هزاران زن جان شیفته آزادی در قیام دی ماه ۱۴۰۴



کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

مارس ۲۰۲۶

فهرست مطالب

۱ | از اعتراض ناخیزش: روایت مقاومت سراسری در ایران

- ۵ انباشت یک‌ساله خشم
- ۶ گسترش کانون‌های شورشی
- ۷ خیزش دی‌ماه ۱۴۰۴
- ۸ زنان؛ رهبری و فداکاری
- ۹ کشتار سازمان‌یافته
- ۹ از اعتراض تا خیزش

۲ | خشونت حکومتی علیه زنان زندانی سیاسی در ایران

- ۱۱ بحران مهندسی شده سلامت
- ۱۲ فرچک؛ تله مرگ
- ۱۳ رنج زندانیان بیمار
- ۱۸ افزایش زندانیان زن بدهکار

۳ | از خیابان تا خانه: داستان بقا و تاب‌آوری زنان

- ۲۱ پرستاران؛ دستمزد کم و فشار زیاد
- ۲۳ تدریس در برابر همه موانع
- ۲۵ ارزش‌گذاری نازل بر کار زنان
- ۲۷ نان‌آوران تنها
- ۲۹ فراتر از گرسنگی و محرومیت

۴ | زنان؛ قربانیان خشونت و بی‌عدالتی ساختاری

- ۳۱ افزایش ۹۱ درصدی اعدام زنان
- ۳۳ بازگشت سرکوب حجاب
- ۳۵ هیچ‌خانه‌ای امن نیست
- ۳۷ قتل زنان در سایه مصونیت
- ۳۹ خشونت علیه دختران
- ۴۰ اوج‌گیری کودک‌آزاری
- ۴۱ استثمار نظام‌مند کودکان کار

۵ | تحصیل کرده اما محروم: ژرفای شکاف جنسیتی در ایران

- ۴۳ در قعر رتبه‌بندی جهانی

۶ | بهای انسانی افول اقتصادی در ایران

- ۴۷ تله فقر
- ۴۹ اعتیاد؛ فاجعه‌روبه‌گسترش
- ۵۰ مرگ زنان در تصادفات
- ۵۱ هوای مسموم، جان زنان
- ۵۲ افزایش مهاجرت زنان
- ۵۳ همه‌گیری خودکشی در میان زنان و کادر درمان



گزارش سال ۲۰۲۶

حق طبع و انتشار محفوظ و متعلق به کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران می‌باشد. چاپ و انتشار این گزارش و یا بخش‌هایی از آن با اجازه قبلی و یا ذکر منبع مجاز است.

از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران - مارس ۲۰۲۶

ISBN: 978-2-35822-046-0

پیشگفتار

گزارش سالانه کمیسیون زنان امسال در شرایط متحولی آماده شد، چرا که کشور ما ایران در آستانه یک تحول سرنوشت ساز قرار دارد.

در جنگی که روز ۹ اسفند بر سر برنامه‌های هسته‌ای و موشکی رژیم آخوندی شعله‌ور شد؛ علی خامنه‌ای، جنایتکار بزرگ قرن که مسئول سه دهه قتل و کشتار مردم ایران بود، مرد.

آخرین جنایت او کشتار تظاهرات بزرگ مردم ایران در قیام دی ماه ۱۴۰۴ بود که برای سرکوب آن چند ده هزار نفر را قتل عام نمود. دهها هزار را مجروح و بیش از ۵۰ هزار تن را دستگیر و روانه زندان کرد. در میان قربانیان، تا به حال اسامی بیش از ۲۵۰ زن و صدها جوان زیر ۱۸ سال وجود داشت.

جنایتی که درز تنها گوشه‌هایی از آن به جهان خارج به قرار گرفتن سپاه پاسداران، این ابزار اصلی سرکوب، اعدام و کشتار در ایران، در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا انجامید.

مرگ خامنه‌ای، مرگ استبداد دینی و پایان رژیم ولایت فقیه است. اکنون زمان برقراری آزادی و حاکمیت مردم ایران است.

بعد از ۴۷ سال رنج و خون فرزندان رشید ایران، بالاخره روزگار آزادی مردم فرا رسیده است به شرط اینکه اجازه ندهیم این انقلاب را مثل انقلاب سال ۱۳۵۷، ربوده شود. در قیام دی ماه ۱۴۰۴ مردم ایران نشان دادند که خواهان آینده‌ای بر پایه جمهوری دموکراتیک هستند و هرگونه دیکتاتوری مادام‌العمر، چه دیکتاتوری شاه و چه دیکتاتوری آخوندها، را رد می‌کنند.

زنان ایران بار دیگر ثابت کردند که قربانیان بی‌قدرت نیستند، بلکه نیروی اصلی تغییرند. حضور آنان مشهود و تعیین‌کننده بود؛ از بندرعباس و مشهد تا تهران، شیراز، رشت، کرمانشاه، زاهدان و ده‌ها شهر بزرگ و کوچک دیگر، زنان در صف اول اعتراضات قرار داشتند. آنان شعار می‌دادند: «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر»، راه‌های تازه‌ای گشودند و بهای سنگینی پرداختند.

خانم مریم رجوی در پیام خود به مناسبت روز جهانی زن خاطرنشان ساخت: «آزادی و دموکراسی به دست نمی‌آید مگر با حضور زنان در رهبری سیاسی جامعه. به همین دلیل

یک جایگزین حقیقی نیز با مشارکت زنان در رهبری سیاسی شناخته می‌شود...» روز ۹ اسفند، شورای ملی مقاومت ایران تشکیل دولت موقت بر اساس طرح ده‌ماده‌ای خانم مریم رجوی را اعلام کرد. خانم رجوی در پیام‌های خود تأکید کرد: «تنها مردم ایران مشروعیت تعیین آینده سیاسی کشور خود را دارند. ایران رژیم آن نیست. ایران مردم آن است و هیچ آینده‌یی برای ایران از بیرون تحقق نمی‌یابد. تنها توسط مردم

ایران می‌توان آن را ساخت. همه را به حمایت از مردم ایران فرا می‌خوانم.» خوانندگان این گزارش، با ورق زدن صفحات آن، با مسئولیتی اخلاقی و انسانی روبه‌رو می‌شوند: مسئولیت سکوت نکردن و به رسمیت شناختن حقانیت مبارزه زنان و جوانان در ایران برای سرنگونی رژیم، نفی همه اشکال دیکتاتوری، و عزم آنان برای برقراری یک جمهوری دموکراتیک بر پایه جدایی دین و دولت، برابری جنسیتی، و حقوق برابر برای همه آحاد ملت ایران.

آزادی و برابری در ایران بهایی سنگین داشته است. ملت ایران بیش از ۱۰۰ هزار تن از بهترین فرزندان خود را در راه آزادی فدیّه داده است. آنها جان خود را فدا نکردند که از استبداد دینی به دیکتاتوری سلطنتی برگردند.

سروناز چیت ساز

مسئول کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران



از اعتراض تا خیزش: روایت مقاومت سراسری در ایران



سال ۲۰۲۵: سال انباشت خشم و مقاومت آگاهانه

سال ۲۰۲۵ نقطه عطفی تعیین کننده در چشم انداز اجتماعی و سیاسی ایران بود؛ واقعیتی که بارها از سوی مقامات، رسانه‌ها و نهادهای امنیتی رژیم آخوندی نیز به آن اذعان شد.

آنچه در طول این سال شکل گرفت، فرآیندی پیوسته از انباشت خشم اجتماعی، ارتقای آگاهی سیاسی و سازمان‌یافتگی مقاومت بود؛ فرآیندی که نیروی محرکه اصلی آن را زنان و جوانان تشکیل می‌دادند.

در سراسر سال ۲۰۲۵، اعتراضات در تمامی استان‌های کشور گسترش یافت و اقشار مختلفی از جامعه از جمله پرستاران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، کارگران و ساکنان مناطق محروم گرفتار بحران آب و برق را دربر گرفت.

هرچند بسیاری از این اعتراضات با مطالبات معیشتی آغاز شد، اما به سرعت با شعارهای سیاسی همراه شد. شعارهایی نظیر «مرگ بر دیکتاتور»، «آزادی زندانی سیاسی» و «فقر، فساد، گرانی، میریم تا سرنگونی» بارها در اعتراضات تهران، مشهد، اصفهان، شیراز، تبریز، رشت و کرمانشاه به ثبت رسید.

سه شنبه‌های نه به اعدام

یکی از مهم‌ترین و پایدارترین جلوه‌های مقاومت سیاسی در این سال، کارزار مستمر «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» بود که با وجود بازداشت‌ها، تهدیدهای قضایی و افزایش اعدام‌ها، به صورت هفتگی

ادامه یافت. در صدمین هفته متوالی این کارزار در اواخر سال ۲۰۲۵، اعتراضات هم‌زمان در دست کم ۸۰ شهر گزارش شد؛ امری که ناتوانی رژیم در خاموش کردن مقاومت سازمان‌یافته را به روشنی نشان داد. حالا این کارزار پیروزمند با ۱۰۸ هفته متوالی اعتصاب غذا در ۵۶ زندان، وارد سومین سال خود شده است، امری بی سابقه در تاریخ مبارزات در زندان.

نقش زنان در اعتراضات

زنان نقشی محوری در این اعتراضات ایفا کردند. تنها در بخش پرستاری که بیش از ۸۰ درصد نیروی آن را زنان تشکیل می‌دهند، حداقل ۶۰ اقدام اعتراضی در سال ۲۰۲۵ ثبت شد. زنان همچنین در صف مقدم اعتراضات بازنشستگان، تجمعات دانشجویی و خیزش‌های محلی ناشی از قطع طولانی مدت آب و برق در ماه‌های تابستان حضور داشتند.

در پایان سال ۲۰۲۵، جامعه ایران از مرحله ناآرامی‌های مقطعی عبور کرده بود. تداوم، شفافیت سیاسی و گسترده‌گی جغرافیایی اعتراضات نشان می‌داد که کشور وارد مرحله‌ای پیشاپیامی شده است.



کانون‌های شورشی در سال ۲۰۲۵: گسترش شبکه و اعترافات رژیم

هم‌زمان با گسترش اعتراضات اجتماعی، کانون‌های شورشی مجاهدین در سال ۲۰۲۵ دستخوش تحولی کیفی و قابل‌اندازه‌گیری شدند؛ تحولی که رژیم ناگزیر شد به آن اعتراف کند. برای سال‌ها، رژیم آخوندی کوشیده بود وجود این کانون‌ها را انکار یا کم‌اهمیت جلوه دهد. این سیاست در سال ۲۰۲۵ فروپاشید و رژیم به دروغ مدعی دستگیری اعضای کانون‌های شورشی شد.

«همکاری با مجاهدین» اعتراف کرده‌اند، عبارتی که به‌طور گسترده به‌عنوان پوششی برای شکنجه شناخته می‌شود. این اطلاعاتی‌ها نشانه قدرت رژیم نبود، بلکه اعترافی آشکار به شکست آن محسوب می‌شد. پس از هشت سال سکوت درباره فعالیت‌های کانون‌های شورشی از زمان آغاز آن در سال ۱۳۹۶، رژیم ناچار شد به‌طور علنی وجود شبکه‌هایی سازمان‌یافته از مقاومت را در سراسر کشور تأیید کند.

نیروی امنیتی تنها در تهران مستقر شده بودند.

پیوستن واحدها

یکی از تحولات کیفی مهم، حضور علنی کانون‌های شورشی مجاهدین در قالب گروه‌های ۱۰ تا ۲۰ نفره یا بیشتر بود؛ امری که نشان‌دهنده گذار از هسته‌های پراکنده به شبکه‌هایی به‌هم‌پیوسته و توانمند در اقدام هماهنگ است.

شکستن سکوت

در ۱۴ مرداد ۱۴۰۴، رسانه‌های حکومتی از «دستگیری سه عضو کانون‌های شورشی» در پاکدشت خبر دادند. همچنین در ۱۸ آذر ۱۴۰۴، رسانه‌های وابسته به رژیم بازداشت یک مرد ۴۴ ساله و یک زن ۴۳ ساله را در لنگرود اعلام کردند و مدعی شدند که این افراد در جریان «بازجویی‌های فنی و تخصصی» به

گسترش کانون‌های شورشی

در طول سال ۲۰۲۵، کانون‌های شورشی مجاهدین صدها اقدام اختناق‌شکن را در تمامی ۳۱ استان کشور به‌طور مستند انجام دادند. در چندین مقطع، به‌ویژه در کارزارهای سراسری به مناسب سالگرد قیام آبان ۱۳۹۸، این کانون‌ها بیش از ۱۶۰ اقدام هماهنگ را تنها در یک روز به اجرا گذاشتند؛ آن هم در شرایطی که ده‌ها هزار

نقش محوری زنان در کانون‌های شورشی مجاهدین

زنان نقشی تعیین‌کننده در این گسترش ایفا کردند. زنان عضو کانون‌های شورشی مجاهدین، از دانشجو و کارگر تا متخصص و خانه‌دار، در صف مقدم فعالیت‌ها قرار داشتند. شعار «زن، مقاومت، آزادی» بیانگر محتوای سیاسی و جهت‌گیری راهبردی این جنبش بود.



دی ماه ۱۴۰۴: لحظه ادغام

قیام سراسری که از ۷ دی ماه ۱۴۰۴ آغاز شد و تا اواخر ماه ادامه یافت، لحظه ادغام کامل اعتراضات اجتماعی و مقاومت سازمان‌یافته را رقم زد.

این قیام با اعتصابات بازاربان تهران در اعتراض به سقوط بی‌سابقه ارزش پول ملی آغاز شد و با سرعتی خیره‌کننده به همه ۳۱ استان در سراسر کشور گسترش یافت.

علی‌اکبر پورجمشیدیان، دبیر شورای امنیت رژیم، روز اول بهمن ۱۴۰۴ در اظهاراتی رسمی به ابعاد گسترده قیام ادعان کرد و گفت بیش از ۴۰۰ شهرستان درگیر اعتراضات بوده‌اند. وی با اشاره به وسعت جغرافیایی قیام گفت: «نزدیک به ۴۰۰۰ نقطه در کشور درگیر این موضوع بودند. تهران فقط یک نقطه نبوده و بعضی وقتها در شهر تهران، هم‌زمان در ۱۰۰ نقطه درگیری وجود داشته است.»

در برخی از شهرها مردم توانستند نیروهای سرکوبگر رژیم را فراری بدهند و بخشهایی از شهر را ساعاتی به کنترل خود در آورند.

اوج اعتراضات شجاعانه مردم ایران اما در شب‌های پنجشنبه و جمعه ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ بود که سیل مردم معترض به

خیابانهای اکثر شهرهای بزرگ ایران، از جمله در دهها منطقه مختلف در تهران، مشهد، اصفهان، شیراز، رشت، کرج و... سرازیر شد.

ماهیت سازمان‌یافته قیام حتی از سوی رسانه‌های وابسته به سپاه پاسداران نیز مورد تأیید قرار گرفت. خبرگزاری فارس ۸ دی ۱۴۰۴ نوشت: «شاهدان عینی به فارس گزارش دادند که در میان جمعیت حدود ۲۰۰ نفری، هسته‌های ۵ تا ۱۰ نفره با شعارهایی فراتر از خواسته‌های صنفی حاضر شدند. هم‌زمان با این تجمعات مریم رجوی خواستار «تشکیل زنجیره‌یی از اعتراضات» شد.» این اعترافات نشان داد که قیام دی ماه ۱۴۰۴ نه یک فوران خودجوش و بی‌برنامه، بلکه محصول سال‌ها مقاومت اجتماعی و نقش فعال شبکه‌های سازمان‌یافته بود که اعتراضات محلی را به یک خیزش سراسری پیوند دادند.



در پی سرکوب خونین قیام دی ماه ۱۴۰۴، یک کانون شورشی متشکل از زنان با موتور در خیابان‌های تهران رژه رفتند، اول اسفند ۱۴۰۴. آنها پرچم‌های ارتش آزادی و شعار «می‌توان و باید» را با خود حمل می‌کردند.



زنان در قلب قیام: رهبری، فداکاری و بهای سنگین

در قیام سراسری دی ماه ۱۴۰۴، نقش زنان تعیین کننده، رهبری کننده و ساختاری بود. شواهد میدانی، گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، اعترافات مقامات رژیم و داده‌های گردآوری شده از شهرهای مختلف نشان می‌دهد که زنان، به‌ویژه دختران جوان و زنان عضو کانون‌های شورشی، در خط مقدم گسترش، تداوم و رادیکالیزه شدن قیام قرار داشتند.

از نخستین روزهای قیام، زنان در خیابان‌ها، دانشگاه‌ها و محلات شهری نقش فعالی ایفا کردند: هدایت شعارها، مسدود کردن مسیرها، سازمان‌دهی تجمعات شبانه و رویارویی مستقیم با نیروهای سرکوبگر. در بسیاری از شهرها، از جمله تهران، مشهد، شیراز، اصفهان، رشت، کرج، بندرعباس، سراوان و زاهدان، گزارش‌ها حاکی از آن بود که زنان و دختران جوان اکثریت یا نیروی پیش‌برنده تجمعات را تشکیل می‌دادند.

در تهران، یورش نیروهای امنیتی به خوابگاه‌های دخترانه از همان روزهای نخست قیام آغاز شد. در ساعت ۲۳:۱۵ روز ۱۰ دی ماه، نیروهای لباس شخصی و امنیتی به خوابگاه دختران دانشگاه ملی ایران حمله کردند و دست‌کم سه دانشجوی زن را بازداشت نمودند.

در اصفهان، نیروهای سرکوبگر در میدان نقش جهان، زنان معترضی را که به‌صورت نشسته اعتراض می‌کردند، با اسپری فلفل هدف قرار دادند. در مشهد، درگیری‌ها با شعار «مرگ بر دیکتاتور» آغاز شد و بنا بر گزارش‌ها، زنان و دختران بخش بزرگی از جمعیت معترضان را تشکیل می‌دادند. در نازی‌آباد تهران، یک زن شجاع با در دست داشتن

پلاکاردی با مضمون «من اغتشاشگر نیستم» به‌طور مستقیم به اظهارات خامنه‌ای پاسخ داد. در شهرهای مختلف، تصاویر و گزارش‌هایی از شجاعت کم‌نظیر زنان منتشر شد: در تهرانسر، حدود ۲۰۰ دختر جوان راهپیمایی کردند و شعار «آزادی، آزادی» سر دادند؛ در شیراز، زنان خیابان‌ها را مسدود کردند؛ در سراوان، دختران جوان خیابان‌ها را با شعارهای اعتراضی پر کردند؛ و در مارلیک کرج و شهرکرد، زنان شجاعی در برابر خودروهای آب‌پاش ایستادند تا مسیر پیشروی معترضان باز شود.

شهادت‌های شهدای امنیتی به‌روشنی نقش پیش‌تاز زنان را تأیید می‌کند. یکی از شهدایان در پیامی نوشت: «دخترها باورنکردنی هستند. این دخترها هستند که خیابان‌ها را می‌بندند. تمام موانع فلزی خیابان انقلاب را کردند و وسط خیابان انداختند.»

بهای مشارکت پیش‌تاز زنان بسیار سنگین بود. گزارش‌ها حاکی از بازداشت صدها زن و دختر در شهرهای مختلف است. در برخی شهرها، از جمله رشت، بنا بر شهادت‌های میدانی، شمار زنان کشته‌شده از مردان بیشتر بوده است. در میان قربانیان، زنان باردار، مادران چندفرزندی، دختران ۱۳ تا ۱۷ ساله و زنان سالمند ۶۴ و ۶۶ ساله نیز دیده می‌شوند. هدف گرفتن آگاهانه زنان، از شلیک مستقیم به سر و سینه تا بازداشت، شکنجه و ارباب خانوادها، نشان‌دهنده هراس رژیم از نقشی است که زنان در رهبری و تداوم این قیام ایفا کردند. قیام دی ماه ۱۴۰۴ بار دیگر ثابت کرد که زنان نه تنها قربانیان اصلی سرکوب، بلکه ستون فقرات مقاومت و نیروی پیش‌برنده انقلاب دموکراتیک آینده ایران هستند.



قتل عام سازمان‌یافته و سرکوب سیستماتیک: جنایت علیه بشریت

رژیم آخوندی در پاسخ به قیام دی ماه ۱۴۰۴، به سرکوبی بی‌سابقه و خونین متوسل شد. از شب ۱۸ دی ماه، نیروهای سرکوبگر در شهرهای مختلف به‌طور مستقیم به سوی مردم آتش گشودند. از ساعت ۱۰ شب همان روز، اینترنت به‌طور کامل قطع شد تا زمینه برای کشتار جمعی و بازداشت‌های گسترده فراهم شود.

در ۱۹ دی ماه، علی خامنه‌ای با سخنرانی رسمی خود، عملاً مجوز ادامه کشتار را صادر کرد و اعلام نمود که رژیم در برابر آنچه «اغتشاشگران» می‌نامید عقب‌نشینی نخواهد کرد. گزارش‌های میدانی از شهرهای مختلف حاکی از استفاده گسترده از سلاح گرم، استقرار تک‌تیراندازان بر بام ساختمان‌ها، به کارگیری سلاح‌های سنگین و شلیک هدفمند به سر، چشم و سینه معترضان بود.

شهادت شهدای عینی و تصاویر منتشر شده، از قتل‌های سبک اعدام، حمله به آمبولانس‌ها، یورش به بیمارستان‌ها و بازداشت کادر درمانی پرده برداشت. همچنین گزارش‌هایی درباره استفاده از عوامل شیمیایی به‌جای گاز اشک‌آور در برخی مناطق منتشر شد. علی خامنه‌ای در سخنرانی ۲۷ دی ۱۴۰۴ ناگزیر به اعتراف به کشته شدن «چند هزار نفر» گردید، هرچند کوشید مسئولیت این کشتار را به عوامل خارجی نسبت دهد.

تا زمان انتشار این گزارش، سازمان مجاهدین خلق ایران هویت بیش از ۲۴۱۱ تن از جان‌باختگان قیام را تأیید کرده است که دست‌کم ۲۵۹ زن و ۱۷۴ کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال در میان آنان قرار دارند. در برخی شهرها از جمله رشت، بنا به گزارش شهدایان، شمار زنان کشته‌شده از مردان بیشتر بوده است؛ امری که نشان‌دهنده دشمنی ویژه نیروهای سرکوبگر با نقش پیش‌تاز زنان است.

خانواده‌های قربانیان با سرکوب سیستماتیک مواجه شدند: تحویل ندادن پیکرها، اخذی تحت عنوان «پول تیر»، دفن‌های مخفیانه، ممنوعیت برگزاری مراسم یادبود و تهدید مستمر بازماندگان. در مواردی، خانواده‌ها ناچار شدند عزیزان خود را در حیاط منازل شخصی دفن کنند تا از مصادره پیکر جلوگیری شود. کشتار گسترده و سازمان‌یافته غیرنظامیانی یا به عبارت درست تر یک قتل عام برنامه‌ریزی شده، همراه با قطع اینترنت، بازداشت‌های انبوه و سرکوب نظامی‌وار، مصداق بارز جنایت علیه بشریت بر اساس حقوق بین‌الملل است.



گذار از چرخه‌های اعتراض به قیامی برگشت‌ناپذیر

در پرتو قیام دی ماه ۱۴۰۴، دیگر نه از نظر تحلیلی و نه از منظر شواهد عینی نمی‌توان اعتراضات و کانون‌های شورشی را پدیده‌هایی جداگانه دانست. اظهارات مقامات رژیم، گزارش‌های رسانه‌های حکومتی، شهادت‌های میدانی و داده‌های مستند همگی از شکل‌گیری یک جنبش واحد با سطوح مختلف سازمان‌یافتگی حکایت دارد.

وقایع سال ۲۰۲۵، بستر اجتماعی، سیاسی و تشکیلاتی این تحول را فراهم ساخت. قیام دی ماه ۱۴۰۴ ناگهانی نبود، بلکه محصول سال‌ها مقاومت، سازمان‌یابی فزاینده و گسست آگاهانه جامعه از دیکتاتوری بود.

ایران وارد مرحله‌ای شده است که در آن چرخه‌های تکرار شونده اعتراض جای خود را به قیامی پایدار داده‌اند؛ قیامی که بر شبکه‌ای سراسری از مقاومت استوار است. علی‌رغم کشتار، بازداشت و سانسور، این جنبش ادامه دارد، جنبشی که جامعه برای آن بهای سنگینی پرداخته و آگاهانه مسیر آینده خود را برگزیده است.



خشونت حکومتی علیه زنان زندانی سیاسی در ایران

۲

جلوگیری از درمان و مهندسی یک بحران سلامتی

زندانیان عقیدتی و زندانیان سیاسی زن به طور خودسرانه بازداشت و بعد از طی دوران بازجویی و بدرفتاری در زیر شکنجه، و مراحل قضایی ناعادلانه و بدون دسترسی به وکیل، محکوم به حبس‌های طولانی مدت می‌شوند که با جرم خودساخته رژیم برای آنها هیچ تناسبی ندارد.

آنها در زندان‌هایی که فاقد حداقل‌های زیستی و بهداشت است محبوس می‌شوند. در بسیاری از زندان‌ها حتی یک تخت برای خوابیدن ندارند و زندانیان بدون کمترین امکانات روی زمین می‌خوابند، کیفیت غذا بسیار پایین است، و بهداشتی زندان دارای حداقل‌های ضروری برای رسیدگی به بیماران نیست و به دلیل عدم رسیدگی‌های فوری و ضروری، زندانیان جان خود را از دست می‌دهند. مخارج تأمین مواد غذایی و بهداشتی و درمانی هم به عهده زندانیان است.

وضعیت زیراستاندارد زندان‌ها تأثیر خود را بر جسم و جان زندانیان می‌گذارد؛ زندانیان سالم را بیمار و بیماری زندانیان بیمار را تشدید می‌کند. در این میان، رژیم ملایان با اعمال «شکنجه سفید» و ممانعت از اعزام زندانی به بیمارستان‌های بیرون و یا عقب انداختن طولانی مدت آن، زندانیان سیاسی و عقیدتی را از درمان ضروری و به موقع محروم می‌نماید و جسم و روح زندانیان را می‌فرساید و مرگ تدریجی را به آنها تحمیل می‌کند.

شرایط فاجعه بار در زندان‌های قرچک و اوین

اما طی سالی که گذشت، رژیم ملایان به این اکتفا نکرده و شرایط بسیار سخت تری به نسبت همیشه برای زندانیان سیاسی زن به وجود آورده است.

در جریان جنگ ۱۲ روزه و تخریب زندان اوین در ۲ تیرماه ۱۴۰۴، زندانیان سیاسی زن از بند زنان اوین به زندان مخوف قرچک منتقل شدند. آنها در سالی متروک که پیش‌تر محلی بعنوان مرغداری بود و پس از آن برای نگهداری معتادان استفاده می‌شد و از نظر بهداشتی در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارد جا داده شدند. این مکان در ابتدای ورود زندانیان مملو از زباله، بوی تعفن، حیوانات مودی و فاقد هرگونه تهویه بود. زندانیان با تلاش شخصی و بدون پشتیبانی رسمی، تا حدی فضا را پاک‌سازی کردند؛ با این حال، همچنان شرایط حاکم بر محل نگهداری آنان غیرقابل پذیرش و ناقض ابتدایی‌ترین حقوق بشری است. ارتباط آنان با سایر بخش‌های زندان به‌طور کامل قطع شده و تنها ۳ سرویس بهداشتی و ۳ حمام برای این جمعیت در نظر گرفته شده

است. برخی اتاق‌ها با تراکم بالا، مانند اتاقی ۲۰ متری که ۱۳ زن در آن نگهداری می‌شدند، امکان استراحت یا حتی نشستن را از آنان سلب کرده بود. بسیاری، به‌ویژه سالمندان و بیماران، ناچار بودند روی زمین بخوابند.

جمع شدن آب‌های آلوده و بالا زدن فاضلاب، و هجوم گسترده موش‌ها و حشرات، خطر آلودگی و بیماری را تشدید کرده بود. تهویه سالن در وضعیت بحرانی قرار داشت و محیط به‌شدت گرم، مرطوب و ناسالم بود.

انتقال به زندان اوین

بالاخره با اعتراضات مستمر زندانیان، زندانیان سیاسی زن در تاریخ ۱۷ مهر به زندان اوین بازگردانده شدند، اما نه به بند زنان بلکه به راهروی پایین بند ۶. آن‌ها در حالی شب را به صبح رساندند که تخت، پتو و هیچ‌گونه وسیله گرمایشی در اختیار نداشتند. با توجه به شروع سرمای پاییز، این شرایط موجب سرماخوردگی و بیماری شماری از زندانیان شد. به گفته یکی از زندانیان «بسیاری از زنان روی زمین سرد و سیمانی می‌خوابند. نور کافی وجود ندارد، هوا سنگین است و دسترسی به آب گرم بسیار محدود است.»

اما رژیم به این هم اکتفا نکرد. در اوائل ماه دسامبر خبر رسید که حدود ۶۰ زندانی سیاسی زن را به بندی زیرزمینی که تقریباً ۴۰ پله پایین‌تر از سطح زمین است منتقل کردند؛ بندی که به‌شدت مرطوب، غیربهداشتی و مملو از موش، حشرات و انواع آفات می‌باشد و مصداق بارز شکنجه محسوب می‌شود. این وضعیت به‌ویژه برای زندانیان دچار بیماری‌های حاد به شدت نگران‌کننده است. گزارشات اواخر ماه دسامبر حاکی از وخامت وضعیت و تشدید نگران‌کننده بحران بهداشتی داشت.

زندانیان از آلودگی گسترده راهروها و اتاق‌ها و حضور دائمی جوندگان و حشرات مودی از جمله ۱۰۰ موش صحرائی خبر دادند؛ زباله، نبود نظافت منظم خطر ابتلا به بیماری‌های عفونی را تشدید کرده است.

شیوع بیماری‌های جدی همراه با محرومیت سیستماتیک و گسترده از دسترسی به درمان و دارو، جان زندانیان به‌ویژه سالمندان و مبتلایان به بیماری‌های مزمن را در معرض خطر فوری قرار داده است.

در دی ماه حدود ۱۰۰ تن از زنان بازداشتی در جریان قیام نیز به این محلی که از پیش جمعیت در آن متراکم بود افزوده شدند.

قرچک: سبیل نقض حقوق زنان و یک تله مرگ

زندان قرچک که یکی از نمادهای نقض فاحش حقوق زنان زندانی در ایران می باشد، به قتلگاه زنان تبدیل شده است. مکانی با تراکم جمعیت بالا، کمبود شدید امکانات اولیه از جمله آب آشامیدنی و به ویژه فقدان خدمات درمانی.

● به گفته منابع داخلی زندان، از آغاز سال جاری (۲۱ مارس) تاکنون دست کم ۲۳ زن در زندان قرچک جان باخته اند، بدون آنکه نام یا علت مرگ آن‌ها در هیچ گزارش رسمی ذکر شود. بسیاری از این مرگ‌ها ناشی از بیماری‌های قابل درمان بوده است.

● در میان زندانیان، چند زن به بیماری‌های جدی از جمله سرطان دوطرفه تخمدان و آندومتریوز مبتلا هستند و پزشکان بر ضرورت اعزام فوری آن‌ها به مراکز درمانی تخصصی تأکید کرده اند. با این حال، قاضی ناظر زندان از صدور مجوز درمان جلوگیری کرده و وثیقه‌ای ده برابر میزان معمول تعیین می کند که که تأمین آن در توان زندانیان و خانواده های آنان نیست.

● تنها طی ۱۰ روز از ۲۵ شهریور تا ۳ مهر، حداقل سه زندانی زن در زندان قرچک به نام‌های سمیه رشیدی، جمیله عزیزی و سودابه اسدی به دلیل محرومیت از رسیدگی‌های پزشکی و تأخیر در انتقال به بیمارستان جان خود را از دست دادند.

● یکی دیگر از زندانیانی که در قرچک جان خود را از دست داد عاطفه بنایی بود که در تیرماه با وجود وخامت حال و اعتراض هم‌بندانش، از رسیدگی پزشکی محروم ماند.

جلوگیری و محرومیت از درمان شیوه رایج در همه زندان‌های رژیم آخوندی است که باعث مرگ زندانیان می شود. زندان فردیس کرج یک نمونه از آنهاست.

● صبح روز ۲۱ شهریور، مریم شهرکی در اثر عدم رسیدگی‌های درمانی جان سپرد.

● سحر شهبازیان (طناز)، ۲۶ ساله، نیز در شامگاه ۲۰ آبان ۱۴۰۴ در همین زندان، در شرایطی مشکوک جان خود را از دست داد. منابع آگاه علت واقعی مرگ او را ایست قلبی ناشی از تأخیر در انتقال به بیمارستان اعلام کرده اند.

جلوگیری از درمان؛ یک سازوکار رایج و نهادینه شده در زندان‌ها در ایران

جلوگیری از درمان زندانیان سیاسی و عقیدتی یک سازوکار نهادینه شده در سیستم زندان‌های رژیم است. در سال‌های اخیر استفاده از این روش رواج بیشتری پیدا کرده و زندانیان بسیاری جان خود را در اثر جلوگیری و یا تأخیر در درمان از دست می دهند. از برجسته ترین نمونه‌های مرگ در سال گذشته در میان زندانیان زن در اثر محرومیت و تأخیر در درمان، مرگ زندانی سیاسی سمیه رشیدی بود.

سمیه رشیدی مهرآبادی متولد ۱۳۶۲ و یک کارگر خیاط بود. او در ۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ هنگام شعارنویسی علیه رژیم در محله جوادیه تهران بازداشت و با اتهام «تبلیغ علیه نظام» زندانی شد. به گواهی نزدیکانش، در زمان دستگیری به شدت مورد ضرب و شتم



قرار گرفت؛ مأموران سر او را به دیوار کوبیده و بر سینه اش نشسته بودند اما رژیم هیچ اقدامی برای درمان جراحات‌های ناشی از بازداشت انجام نداد. سمیه سالها به بیماری صرع مبتلا بود و به گواهی

هم‌سلولی‌هایش، بارها با تشنج و سردرد شدید به بهداری مراجعه کرده بود. اما پزشکان زندان مشکلات او را «تمارض» تلقی کرده و او را به بند بازمی گرداندند و یا داروهای اعصاب به او می دادند که ربطی به بیماری صرع نداشت.

روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۴، سمیه رشیدی پس از انتقال به پزشکی قانونی برای بررسی وضعیت «عدم تحمل کیفر»، در مسیر دچار تشنج شدید شد. با وجود وخامت حال، او ابتدا به زندان قرچک برگردانده شد و تنها پس از حمله شدید صرع و از دست دادن هوشیاری به بیمارستان منتقل گردید. چند روز بعد، پزشکان اعلام کردند که سطح هوشیاری او به ۵ رسیده و امیدی به بهبودی او نیست. وی پس از ده روز کما در بیمارستان مفتوح ورامین جان باخت.

نگاهی به وضعیت زندانیان بیمار

● مریم اکبری منفرد محبوس

در زندان قرچک ورامین، ماه‌هاست از دردهای شدید کمر و زانو، بی‌حسی در پاها و اختلال حرکتی رنج می‌برد. با وجود تأکید پزشکان متخصص و گزارش رسمی پزشکی قانونی مبنی بر ضرورت فیزیوتراپی و درمان روزانه، همچنان از دسترسی پایدار به درمان تخصصی محروم مانده است. در اواسط دسامبر، مسئولان زندان او را به مدت یک هفته چند بار برای دریافت فیزیوتراپی و کاپروپراکتیک به مراکز درمانی خارج از زندان بردند ولی ادامه درمان را به مراکز دولتی منوط کردند که فاقد امکان ارائه خدمات تخصصی مورد نیاز هستند. درخواست مریم اکبری برای معرفی مرکز مناسب با تأمین هزینه‌های درمانی توسط خودش تاکنون بی‌پاسخ مانده است. این تعلل می‌تواند به وخامت وضعیت جسمانی و نیاز به جراحی زانو منجر شود.

مریم حتی برای انجام کارهای ساده نیاز به کمک دارد. پزشکان هشدار داده‌اند که ادامه این وضعیت می‌تواند منجر به آسیب عصبی دائمی و بی‌اختیاری ادرار شود. پزشکی قانونی نیز در مهرماه سال جاری به‌طور رسمی نیاز روزانه او به خدمات تخصصی در مراکز درمانی خارج از زندان را تأیید کرده بود.

این زندانی سیاسی بیش از ۱۵ سال بدون حتی یک روز مرخصی در حبس به سر



مریم اکبری منفرد



مرضیه فارسی

می‌برد. وی مادر سه دختر می‌باشد. خانواده او از قربانیان سرکوب‌های خونین دهه ۶۰ هستند؛ دو برادرش در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۳ و برادر کوچک‌تر و خواهرش در تابستان ۱۳۶۷ اعدام شدند. وی از سال ۱۳۸۸ به اتهامات سیاسی بازداشت و تحمل حکم ۱۵ سال حبس که در مهرماه ۱۴۰۳ به پایان رسید. اما قضائیه رژیم با پرونده سازی جدید، مجدداً او را به دو سال حبس محکوم کرد.

● وضعیت جسمانی **مرضیه فارسی**، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین، طی هفته‌های اخیر به‌طور نگران‌کننده‌ای رو به وخامت گذاشته است. این زندانی سیاسی که سال‌هاست با بیماری سرطان و عوارض جدی قلبی دست و پنجه نرم می‌کند، پس از انتقال از زندان قرچک به زندان اوین با تشدید علائم جسمی از جمله سردردهای مزمن، سرگیجه‌های شدید و ضعف عمومی مواجه شده است.

با وجود توصیه‌های مکرر پزشک معالج برای ادامه مصرف داروهای ضروری جهت کنترل رشد سلول‌های سرطانی و تنظیم وضعیت قلبی، مسئولان زندان اوین از ورود داروهای حیاتی او جلوگیری کرده‌اند. این اقدام تحت بهانه‌های اداری و امنیتی صورت گرفته و عملاً سلامت این زندانی سیاسی را در معرض خطر جدی قرار داده است.

مرضیه فارسی، متولد ۱۳۴۴ و ساکن تهران، مادر دو فرزند است. او در ۳۰ مرداد ۱۴۰۲، هم‌زمان با سالگرد اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، در تهران بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. دادگاه انقلاب تهران او را به اتهام "بغی و ارتباط با سازمان مجاهدین خلق" به ۱۵ سال حبس محکوم کرد.

● **شیوا اسماعیلی**، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین، در شرایطی وخیم و با درد شدید ناحیه کمر روبه‌روست؛ با این حال، مقامات زندان با کارشکنی و بی‌توجهی عامدانه، مانع انتقال او به بیمارستان و دریافت درمان تخصصی شده‌اند. شدت درد به حدی است که این زندانی سیاسی حتی در تنفس نیز دچار مشکل شده و عملاً زمین‌گیر شده است. به‌دنبال هفته‌هایی توجیهی و رنج مداوم، سرانجام مسئولان زندان با اعزام او به بیمارستان موافقت کردند. اما مأموران هنگام انتقال متوجه شدند کارت بانکی او موجودی ندارد و به دستور رئیس زندان، شیوا اسماعیلی را از در خروج بازگرداندند. این زندانی سیاسی اصرار داشت که می‌تواند با خانواده‌اش تماس بگیرد تا هزینه درمان را تأمین کنند، اما مسئولان زندان عمداً مانع تماس او شدند. چنین رفتاری نشان می‌دهد که مقامات زندان اوین از حق درمان به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار و شکنجه روانی بر زنان زندانی سیاسی استفاده می‌کنند.

شیوا اسماعیلی (معصومه) متولد ۱۳۴۴، ساکن تهران و مادر سه فرزند است. او که دارای مدرک مهندسی کشاورزی است، در آبان‌ماه ۱۳۹۹ به دلایل سیاسی و بدون شفافیت حقوقی بازداشت شد و پس از چند سال بلاتکلیفی، در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲، به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم گردید.



شیوا اسماعیلی



ارغوان فلاهی

● **ارغوان فلاهی**، زندانی سیاسی ۲۵ ساله محبوس در زندان اوین، مبتلا به میگرن عصبی شدید می‌باشد ولی از دسترسی به داروهای خود محروم می‌باشد. وی مستمراً دچار سردردهای شدید منجر به تشنج می‌شود و آثار شکنجه‌های روانی و فشارهای بازجویی بر وضعیت سلامت او آشکار است.

ارغوان فلاهی در ۶ بهمن ۱۴۰۳ در تهران دستگیر و بیش از شش ماه در سلولهای انفرادی بند ۲۴۱ اوین تحت بازجویی‌های فشرده و شکنجه‌های روانی و جسمی قرار

داشت. پس از دو ماه حبس در سلول انفرادی در زندان فشافویه و یک دوره نگهداری در محل نامعلوم، به زندان مخوف قرچک منتقل و متعاقباً به زندان اوین منتقل گردید.

● **معصومه عسگری**، معلم بازنشسته و زندانی سیاسی، با وجود ابتلا به بیماری‌های متعدد جسمی و روحی، همچنان در زندان اوین در حبس به‌سر می‌برد. تداوم بازداشت این زندانی ۶۰ ساله در حالی ادامه دارد که مسئولان قضایی و زندان اوین هیچ‌گونه اقدامی برای درمان و بهبود وضعیت او انجام نداده‌اند.

معصومه عسگری که مادر یک فرزند و تنها سرپرست خانواده خود می‌باشد، در مردادماه ۱۴۰۳، توسط نیروهای وزارت اطلاعات در تهران بازداشت شد و پس از تحمل ماه‌ها بازجویی، به اتهام «تبلیغ علیه نظام در قالب همکاری با گروه‌های ضدنظام» و «عضویت در گروه‌های مخالف نظام» به سه سال حبس محکوم شد.

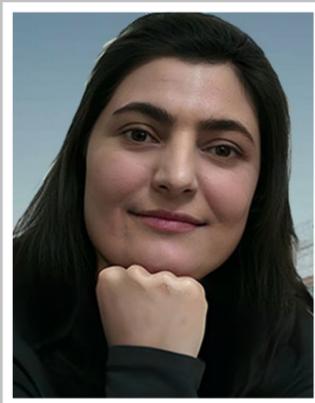
او به بیماری‌های مزمن از جمله دیابت، مشکلات کلیوی و کبدی و اختلالات عصبی مبتلاست. این مشکلات سلامتی با جراحات قبلی که شامل چندین شکستگی در پاهای او می‌شود، تشدید شده است.

● **زینب جلالیان** در زندان مرکزی یزد در تبعید نگهداری می‌شود و محکوم به حبس ابد می‌باشد. او در هفته دوم آبان ۱۴۰۴، تنها ۲۴ ساعت پس از عمل جراحی سنگین فیروم، بدون طی دوره مراقبت‌های پس از عمل، دوباره به زندان بازگردانده شد. با وجود توصیه پزشک متخصص مبنی بر ضرورت انجام سونوگرافی و پیگیری‌های درمانی در مراکز تخصصی، مسئولان زندان از اعزام او جلوگیری کرده‌اند.

وضعیت جسمانی خانم جلالیان نامناسب است و او با دردهای شدید مواجه است. ادامه روند درمان نیز نیازمند انتقال فوری وی به مراکز درمانی خارج از زندان است. زینب جلالیان از مدت‌ها پیش با خونریزی داخلی، مشکلات کلیوی و دردهای مزمن مواجه بوده‌است. در تیرماه ۱۴۰۳ نیز، به‌رغم شدت درد، تنها به بهداری زندان منتقل و بدون ویزیت متخصص، صرفاً با تزریق مسکن به بند بازگردانده شد. اکنون، پس از عمل جراحی اخیر، وضعیت جسمی او به دلیل نبود امکانات درمانی، تغذیه نامناسب و شرایط غیربهداشتی سلول‌ها، بحرانی‌تر از گذشته توصیف می‌شود.

به گفته نزدیکان خانواده، درخواست‌های مکرر برای انتقال فوری او به بیمارستان بی‌پاسخ مانده است. پزشکان زندان هشدار داده‌اند که ادامه این وضعیت ممکن است به نارسایی کلیه و عوارض جبران‌ناپذیر منجر شود.

زینب جلالیان در سال ۱۳۸۶ دستگیر و



زینب جلالیان



معصومه عسگری

در سال ۱۳۸۸ به اتهام خروج غیرقانونی از کشور به یک سال حبس تعزیری و به اتهام محاربه به دلیل عضویت در گروه‌های مخالف نظام به اعدام محکوم گردید.

حکم اعدام او در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور تأیید، اما سپس به حبس ابد تغییر یافت.

خانم جلالیان بارها اعلام کرده بود که در زمان بازداشت به شیوه‌هایی چون شلاق زدن به کف پا، مشت به شکم، کوبیدن سر به دیوار و تهدید به تجاوز، مورد آزار و شکنجه قرار گرفته است.

● **فریبا خرم آبادی** استاد الهیات، پژوهشگر دینی و مادر یک فرزند است. وی در مردادماه ۱۴۰۴ بدون ارائه حکم قضایی توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی‌اش بازداشت و مستقیم به زندان فردیس کرج منتقل شد. وی به اتهام‌های «تبلیغ علیه نظام» و «عضویت در شبکه‌های معاند» به یک و نیم سال حبس تعزیری محکوم شده است.

زندانی سیاسی فریبا خرم آبادی سابقه سکنه قلبی دارد و در زندان به او داروی اشتباه داده‌اند که موجب بروز تیک‌های عصبی و تشنج‌های مکرر شده است. مأموران در حالی که حال او وخیم بوده، برای انتقال به بیمارستان وی را با دستبند و پابند بستند؛ رفتاری که موجب تشدید ناراحتی جسمی‌اش شد. او در اعتراض به این برخورد تحقیرآمیز از رفتن به بیمارستان خودداری کرد.

● **مریم زبیدی**، ۵۸ ساله ساکن اهواز و مادر سه فرزند، روز ۱۰ آبان‌ماه ۱۴۰۴، پس از احضار به شعبه اجرای احکام دادگاه انقلاب اهواز بازداشت و به زندان سپیدار اهواز منتقل شد. وی از بیماری‌های شدید تنفسی و گوارشی رنج می‌برد و وضعیت جسمانی‌اش بحرانی گزارش شده است.

مریم زبیدی نخستین بار در ۲۴ اسفند ۱۳۹۶ توسط نیروهای اداره اطلاعات اهواز بازداشت و تحت بازجویی‌های طولانی و شکنجه‌های روانی قرار گرفته و در اثر

شرایط غیربهداشتی، به بیماری‌های تنفسی و گوارشی شدید مبتلا شده است. در طول دوران حبس نیز بارها درخواست اعزام به مراکز درمانی تخصصی داده اما با بی‌توجهی مسئولان زندان مواجه شده است. منابع محلی تأیید کرده‌اند که بهداری زندان سپیدار تنها داروهای عمومی در اختیار زندانیان قرار می‌دهد و فاقد امکانات پزشکی تخصصی است.



فریبا خرم‌آبادی

● **پریسا کمالی**، زندانی سیاسی محبوس در بند زنان زندان مرکزی یزد، از سوم آذرماه ۱۴۰۴ در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن مطالبات قانونی و ادعای «گم شدن پرونده» اش، دست به اعتصاب غذا و دارو زده بود. وضعیت جسمی پریسا کمالی به دلیل ابتلا به تیروئید سمی و محرومیت از دریافت داروهای ضروری به شدت وخیم شده و قطع داروهای درمانی، باعث تشدید علائم بیماری، ضعف شدید جسمانی و بروز مشکلات بینایی در او شده بود.



مریم زبیدی



پریسا کمالی

● **طاهره نوری** زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین به آپنه خواب مبتلاست و از ضعف شدید جسمانی رنج می‌برد. وضعیت سلامت مریم گرجی، زندانی بیمار در زندان اوین، به مرحله‌ای رسیده که جان او را در معرض خطر قرار داده است.

● **مریم گرجی** که پیش‌تر تحت عمل جراحی روده قرار گرفته و بخشی از روده‌اش مصنوعی است، این روزها با دردهای حاد شکمی و نیاز به رژیم غذایی تخصصی دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ نیازهایی که در محیط زندان عملاً قابل تأمین نیست. او علاوه بر مشکلات روده، از یک بیماری پیشرفته کبدی نیز رنج می‌برد.

پزشکان پیش‌تر برای مریم گرجی «حکم عدم تحمل کيفر» صادر کرده بودند؛ حکمی که وفق قانون باید اجرای حبس را متوقف و زمینه انتقال فوری او به مراکز درمانی مجهز را فراهم می‌کرد. با وجود این، مقام قضایی پرونده نه تنها از آزادی او جلوگیری کرده، بلکه با تعیین وثیقه پنج میلیارد تومانی مسیر دسترسی وی به درمان را عملاً مسدود کرده است.

● **زهرا صفایی**، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین، مبتلا به بیماری قلبی و دارای دو استنت، بیش از هفت ماه است تحت معاینه پزشکی قرار نگرفته و با دردهای شدید قلبی مواجه است. خانم صفائی متولد ۱۳۴۱، فرزند حسنعلی صفائی از بازاریان و تجار خوش نام تهران است. آقای صفائی از زندانیان سیاسی زمان شاه بود که در سال ۱۳۶۰ به اتهام هواداری از مجاهدین توسط رژیم ملایان در زندان اوین اعدام شد.

زهرا صفائی از زندانیان سیاسی دهه ۶۰ است که به دلیل هواداری از سازمان مجاهدین خلق به مدت ۸ سال در زندان های اوین و قزلحصار محبوس بود.

● **فروغ تقی‌پور**، زندانی محبوس در زندان اوین نیز دچار کم‌خونی شدید است؛ کیفیت پایین تغذیه و کمبود مواد غذایی مناسب، میوه و سبزی تازه را از عوامل مؤثر در بروز این وضعیت می‌باشد. فروغ تقی‌پور، ۳۱ ساله و دارای مدرک کارشناسی حسابداری، از مرداد ۱۴۰۲ دوران محکومیت پنج‌ساله خود را در زندان اوین می‌گذراند. او ابتدا به اتهام «بغی» و «عضویت در سازمان مجاهدین» به ۱۵ سال زندان محکوم شد، اما حکم او در مرحله تجدیدنظر به پنج سال کاهش یافت. فروغ تقی‌پور پیش‌تر در بهمن ۱۳۹۸ به اتهام «اجتماع و تبانی» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» بازداشت و به پنج سال زندان محکوم شده بود؛ حکمی که تا بهمن



زهرا صفایی



فروغ تقی‌پور



الهه فولادی

۱۴۰۱ به طول انجامید. او چند ماه پس از آزادی، بار دیگر در مرداد ۱۴۰۲ بازداشت شد و اکنون در بند زنان زندان اوین نگهداری می‌شود. در طول دوران بازداشت، هیچ رسیدگی پزشکی مؤثری برای کنترل وضعیت پرخطر مریم گرجی انجام نشده و تأخیرهای مکرر درمانی، نگرانی‌ها را درباره تکرار فاجعه‌ای مشابه مرگ مشکوک سمیه رشیدی افزایش داده است.

● **الهه فولادی** با مشکلات حاد زانو شامل وجود غده بزرگ، پارگی مینیسک و تنگی کانال نخاعی، دردهای مداوم دارد، اما روند درمانی مؤثری برای او گزارش نشده است. الهه فولادی، متولد ۱۳۵۷ در خلخال، متأهل و مادر یک فرزند است. او دانشجوی سال آخر دانشگاه بود که در سوم بهمن ۱۳۹۸ به همراه همسرش، ستار بابایی، در فرودگاه بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. پس از چند ماه بازجویی، در مرداد ۱۳۹۹ با قید وثیقه آزاد شد. اما در ادامه، دادگاه انقلاب تهران او را به اتهام «اجتماع و تبانی از طریق ارتباط با سازمان مجاهدین خلق» و «تبلیغ علیه نظام» به هشت سال حبس تعزیری محکوم کرد.

افزایش زندانیان زن بدهکار مالی در ایران؛ بازتابی از بحران اقتصادی و فساد ساختاری

بازتابی از بحران اقتصادی و فساد ساختاری



افزایش شمار زنانی که صرفاً به خاطر ناتوانی در پرداخت بدهی‌های ناشی از تورم و بی‌ثباتی اقتصادی در ایران بازداشت می‌شوند، به شکل نگران‌کننده‌ای رو به افزایش است؛ پدیده‌ای که بیش از همه زنان طبقه متوسط و کم‌درآمد را تحت فشار قرار داده و آنان را در معرض حبس و زندان قرار داده است.

افزایش هزینه‌های زندگی، بحران اشتغال، سقوط ارزش پول ملی و گسترش وام‌های خرد با بهره‌های سنگین، زنان بسیاری را وارد چرخه‌ای از بدهی و ناتوانی در بازپرداخت کرده است. بخش مهمی از این بدهی‌ها برای رفع نیازهای اولیه‌ای همچون هزینه درمان، اجاره‌خانه یا ضمانت دیگران ایجاد شده و به بدهی‌های غیرقابل پرداخت تبدیل شده‌اند.

● ستاد دیه رژیم ملایان اعلام کرد که نزدیک به ۲۰ هزار نفر با جرایم غیرعمد در زندان هستند. از این تعداد، ۹۷۳ زن به دلیل بدهی‌های مالی گرفتار زندان شده‌اند. بنا به گفته سید اسدالله جولایی رئیس هیات امناء ستاد مردمی دیه کشور: «حدود ۷۳ درصد زنان زندانی، مادر هستند و بسیاری بیش از سه فرزند دارند. این موضوع نشان می‌دهد بخش بزرگی از جمعیت زندانیان زن

علاوه بر مواجهه با مشکلات قانونی، مسئولیت حمایت از خانواده خود را نیز بر عهده دارند.» (آرمان امروز ۲۸ آبان ۱۴۰۴)

● فاطمه کبیرنناج، یک جامعه‌شناس مستقر در ایران، تعداد مادران زندانی با سه فرزند را ۷۰۹ نفر اعلام می‌کند و می‌گوید این رقم، «بحران عمیق زندگی زنان سرپرست خانواری را به تصویر می‌کشد که در سخت‌ترین شرایط اقتصادی موجود، در تنهایی و بدون حمایت اجتماعی موثر، مسئولیت معیشت خانواده را نیز بر عهده دارند.» (آرمان امروز ۲۸ آبان ۱۴۰۴)

● مسائل اقتصادی به‌طور نامتناسبی بر زنان تأثیر می‌گذارد و زنان به دلایل ساختاری از دسترسی عادلانه به منابع اقتصادی محروم هستند. یکی از ابعاد مهم این بحران، تأثیر آن بر خانواده‌هاست.

● زندانی شدن این زنان، که ستون‌های اصلی خانواده به‌شمار می‌روند، به معنای رها شدن فرزندان در معرض فقر، ترک تحصیل، کار کودک و انواع آسیب‌های اجتماعی است؛ مسیری که عملاً چرخه فقر و نابرابری را بازتولید می‌کند و آسیب‌های بلندمدتی بر بافت اجتماعی جامعه بر جای می‌گذارد. به این ترتیب حاکمیت قضایی نه تنها مادران را مورد مجازات قرار می‌دهد،

بلکه کل خانواده و به ویژه کودکان این زنان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. زندانی شدن این گروه از مادران به معنای فروپاشی کانون خانواده و محرومیت کودکان از مراقبت اولیه است.

● در این میان تهران بیشترین تعداد زندانیان زن بدهکار مالی را در خود جای داده است. بر اساس داده‌ها، ۱۸۴ زن زندانی در استان تهران، ۹۶ زن زندانی در استان فارس و ۸۵ زن زندانی در استان مازندران وجود دارند.

● جوان‌ترین زندانیان تنها ۲۰ سال دارد و مسن‌ترینشان، متولد ۱۳۱۴، دوران سالمندی خود را پشت میله‌های زندان سپری می‌کند. همچنین، قدیمی‌ترین زن بدهکار مالی با ۸۰ میلیارد ریال بدهی از سال ۱۳۹۷ تاکنون در زندان شیراز محبوس است؛ این گستره سنی زندانیان زن بدهکار مالی نشان می‌دهد فشارهای اقتصادی زنان را بیشتر از همه آسیب‌پذیر کرده است. (آرمان امروز ۲۸ آبان ۱۴۰۴)

● در میان این زندانیان، ۲۴ زن دارای مدرک دکتری وجود دارد. پزشکان، استادان دانشگاه و مدیران باسابقه‌ای که سال‌ها در خدمت جامعه بوده‌اند، اکنون به دلیل سقوط امنیت اقتصادی و اشتغال، در شمار بدهکاران مالی زندانی قرار گرفته‌اند؛ این داده

نشان می‌دهد که زندانیان زن تنها افراد کم‌سواد یا کم‌تجربه نیستند، بلکه غالباً افرادی مسئول و تحصیل کرده هستند که به دلایل مالی یا مشکلات غیرعمدی گرفتار حبس شده‌اند. آمار مذکور نشان می‌دهد حتی تحصیلات عالی نیز مانع آسیب‌پذیری اجتماعی زنان در ایران نیست و سطوح بالای تحصیلی بدلیل ناکارآمدی مکانیسم‌های اجتماعی و حمایتی برای قشر تحصیلکرده، لزوماً در برابر آسیب‌های اجتماعی-اقتصادی مصونیت ایجاد نمی‌کند. (آرمان امروز ۲۸ آبان ۱۴۰۴)

ریشه‌های این بحران را باید در فساد سیستماتیک، غارت منابع عمومی، تورم افسارگسیخته، نابودی فرصت‌های شغلی و نبود حمایت اجتماعی مؤثر از زنان جستجو کرد. زندانی کردن زنان به دلیل ناتوانی در پرداخت بدهی نه تنها ناکارآمد است، بلکه مصادق مجازات فقر محسوب می‌شود و با اصول حقوق بشر و تعهدات بین‌المللی کشور در تضاد است.



بیشترین زندانیان مالی در تهران

جوان‌ترین زندانیان مالی تنها ۲۰ سال دارد و مسن‌ترینشان، متولد ۱۳۱۴، دوران سالمندی خود را پشت میله‌های زندان سپری می‌کند.



از خیابان تا خانه: داستان‌هایی از بقا و تاب‌آوری

۳

پرستاران در مرز فرسودگی: دستمزد اندک، کار پرفشار، و نادیده انگاشته شده

بیش از ۸۰ درصد نیروی پرستاری کشور را زنان تشکیل می‌دهند. آنها علاوه بر فشارهای شغلی طاقت فرسا، با تبعیض‌های جنسیتی نیز دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این زنان نه تنها مسئول سلامت بیماران در شیفت‌های فرسایشی هستند، بلکه در خانه نیز نقش پررنگ مراقبتی دارند.

کارانه‌های معوق، قراردادهای ۸۹ روزه، حقوقی که اغلب از ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان تجاوز نمی‌کند، و نبود امنیت شغلی باعث شده بسیاری از این زنان پرستار، علی‌رغم تعهد حرفه‌ای، مهاجرت کنند. این در حالی است که در کشورهای مقصد، همان پرستاران با شرایط بهتر کاری و دریافتی چند برابری، به رسمیت شناخته می‌شوند.

کمبود نیروی پرستاری و فشار کاری طاقت فرسا بر پرستاران

● قاسم ابوطالبی رئیس شورای عالی نظام پرستاری گفت: «در حال حاضر در کشور ۱۶۵ هزار پرستار کم داریم. نسبت پرستار به تخت بیمارستانی در ایران ۹ دهم است در حالیکه استاندارد دنیا ۳ پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی است.» (خبرگزاری فارس ۳۰ مهر ۱۴۰۴)

● استاندارد جهانی ۳ تا ۵ تخت بیمارستانی ما به ازای ۱۰۰۰ نفر جمعیت است اما این عدد در ایران ۱.۶ تخت است. یعنی تعداد پرستاران در ایران لااقل ۶ برابر کمتر از استاندارد جهانی است. این درحالیست که به گفته دبیرکل خانه پرستار حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار پرستار فارغ‌التحصیل بیکار و خانه‌نشین هستند. (سایت اقتصاد۲۴ ۲۰ آبان ۱۴۰۴)

● این کمبود مرگبار باعث شده است که یک پرستار به شکل میانگین به ۱۲ بیمار رسیدگی کند. (همشهری آنلاین ۵ آبان ۱۴۰۴)

● پرستاران می‌گویند با کمبود نیرو، مجبورند شیفت‌های ۱۲ تا ۱۸ ساعته کار کنند و در شرایط تورمی کنونی، بسیاری از همکارانشان یا شغل دوم گرفته‌اند یا در حال مهاجرت هستند. یک پرستار بیمارستان لباتی نژاد گفته است: «ما در دوران کرونا جنگیدیم، حالا بعد از سه سال هنوز برای حق‌الزحمه همان دوران هم پاسخی نگرفتیم.» (رویداد ۲۴ آبان ۱۴۰۴)

● عبادی‌زاده نماینده خامنه‌ای در استان هرمزگان در بازدید از بیمارستان خلیج فارس اعتراف کرد که «کمبود چشمگیر نیروی انسانی در مراکز درمانی

استان سبب شده است فشار کاری، اضطراب و مسئولیت‌های سنگین‌تری بر دوش پرستاران قرار گیرد و در نتیجه، فرسودگی شغلی در میان آنان افزایش یابد.» (ایسنا ۶ آبان ۱۴۰۴)

● دکتر احمد نجاتیان، رئیس کل سازمان نظام پرستاری کشور: حدود ۷۰ درصد پرستاران را خانم‌ها تشکیل می‌دهند که عمده این افراد، وظایف مادری و خانواده دارند و اصلاً مایل به اضافه کار نیستند اما به صورت اجباری، ۸۰ ساعت اضافه کاری باید انجام دهند. پرستاران در یک شیفت، حدود ۱.۵ تا ۲ برابر استانداردها مسئولیت رسیدگی به بیماران را برعهده دارند که این مسائل منجر به فرسودگی شغلی و تسریع در خروج از حرفه پرستاری می‌شود. (ایرنا ۵ آبان ۱۴۰۴)

● عباس عبادی معاون پرستاری وزارت بهداشت گفت: حدود ۱۲ هزار پرستار طی ۳ سال گذشته از چرخه خدمت خارج شده‌اند. (خبرگزاری مهر ۱۸ اسفند ۱۴۰۳)





تدریس در کشاکش مشکلات: چالش‌های پیش روی معلمان ایرانی

- معیشت معلمان با چالش جدی مواجه است. آنها در شرایطی بسیار پایین‌تر از استانداردهای جهانی زندگی می‌کنند و عملاً به سطحی از فقر ساختاریافته رانده شده‌اند. به همین دلیل معلمان از جمله اقشاری هستند که به رغم بهای سنگین همواره در اعتراض و اعتصاب هستند و حقوق خود را طلب می‌کنند. زنان معلم در این حرکت‌های اعتراضی همیشه جلودار و فعال هستند.
- حقوق میانگین ۲۰ میلیون تومانی تنها برای ۱۰ روز اول ماه کافی است و تامین هزینه‌های رفت و آمد و زندگی روزمره برای بسیاری از معلمان به سختی امکان پذیر است. (اقتصاد آنلاین ۲۴-آبان ۱۴۰۴)
- در شرایط حاضر، میزان دریافتی معلمان از همه کارکنان دولت و بخش‌های کشور پایین‌تر است. (ایلنا ۱۴-آذر ۱۴۰۴)
- حقوق معلمان در ایران فاصله چشمگیری با میانگین جهانی دارد. دریافتی ماهانه معلمان ایرانی بین ۱۵ تا ۳۰ میلیون تومان (حدود ۱۵۰ تا ۳۰۰ دلار) است؛ در حالی که معلمان در آلمان ماهانه ۳۵۰۰ تا ۵۵۰۰ دلار، در آمریکا ۳۰۰۰ تا ۵۵۰۰ دلار، در ژاپن حدود ۴۰۰۰ دلار و در فنلاند نزدیک به ۳۵۰۰ دلار دریافت می‌کنند. حتی در ترکیه، میانگین حقوق معلمان بین ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ دلار است. (اقتصاد آنلاین - ۲۴ مرداد ۱۴۰۴)
- دستگیری، اخراج و بازنشستگی اجباری هر سال ده‌ها معلم به دلیل فعالیت صنفی یا حتی اظهارنظر در شبکه‌های اجتماعی، بازداشت، تعلیق یا اخراج می‌شوند. کمیته‌های انضباطی، هیأت تخلفات اداری، حراست آموزش و پرورش و نهادهای امنیتی، نقش پررنگی در حذف معلمان منتقد دارند. مواردی از اخراج یا تعلیق بدون حکم دادگاه هم گزارش شده است. بازنشستگی اجباری معلمان در حالی صورت می‌گیرد که وزارت آموزش و پرورش دچار کمبود حداقل ۳۰۰ هزار معلم است. در فاصله نیمه خرداد تا ۲۸ شهریور ۱۴۰۴، سرکوب معلمان و اعضای تشکل‌های صنفی در استان‌های مختلف از کرمان و کردستان گرفته تا گیلان، آذربایجان غربی، اصفهان و تهران شدت گرفت. هراس رژیم از تداوم اعتراضات، به‌ویژه پس از قیام سراسری ۱۴۰۱، آشکارا پشت این فشارها دیده می‌شود.
- از پایان سال تحصیلی قبلی تا آغاز سال تحصیلی جدید دست کم ۴۵ معلم در ایران احضار، بازداشت یا محکوم شده‌اند. (دویچه وله ۲۷ شهریور ۱۴۰۴)
- ۶ اسفند ۱۴۰۳ معصومه عسگری، معلم زندانی و فعال سیاسی، در تهران به سه سال حبس محکوم شد.
- ۱۶ اسفند ۱۴۰۳ آرزو جلیل زاده، معلم ساکن سردشت در آذربایجان غربی، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و بدون ارائه حکم قضایی به یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی در ارومیه منتقل شد.
- ۳ فروردین ۱۴۰۴ کبری طاهرخانی، مدیر مدرسه و فعال صنفی معلمان در قزوین، با اتهامات «توهین به علی‌خامنه‌ای» و «تبلیغ علیه نظام» به سه سال حبس تعزیری و سه سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد.
- ۳۱ خرداد ۱۴۰۴ سکینه ملکی هدک، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و با ۲۸ سال سابقه خدمت در وزارت آموزش و پرورش و معلم دبیرستان‌های بندرانزلی و از فعالان صنفی معلمان، با حکم نهایی دیوان عدالت اداری به بازنشستگی اجباری با کاهش دو گروه محکوم شد. علت صدور این حکم مشارکت خانم ملکی در تجمعات اعتراضی معلمان و پیگیری مطالبات صنفی بود.
- ۷ مرداد ۱۴۰۴ فروغ خسروی، معلم پایه ابتدایی و دارای مدرک دکتری تعلیم و تربیت در شهرستان بهبهان استان

- پرستارانی که دچار بیماری‌های خاص هستند، مانند سرطان یا بیماری‌های عفونی، با وجود شرایط جسمی دشوار مجبور به کار در بخش‌های حساس می‌شوند. این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته، وضعیت سلامت و کارکرد پرستاران به‌طور مستمر بررسی می‌شود تا هم سلامت خود پرستاران و هم بیماران حفظ شود. (دیارمیرزا ۲۱ آبان ۱۴۰۴)
- روز ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴، یک پرستار جوان بلوچ شاغل در بیمارستان ایرانشهر شهرستان سراوان، به دلیل فشارهای شدید کاری و مصرف بیش از اندازه داروی آرامبخش، در منزل خود دچار تشنج شد و جان باخت. (حال و ش ۹ خرداد ۱۴۰۴)
- خط فقر برای یک خانواده چهار نفره ۳۵ میلیون تومان اعلام شده است. (جهان صنعت ۱۹ فروردین ۱۴۰۴)
- بصیر هاشمی رئیس دانشگاه علوم پزشکی شیراز گفت: «استان فارس در پرداخت معوقات پرستاران با دو ماه عقب ماندگی پیشرو است. در سایر استان‌ها این معوقات به ۷ الی ۸ ماه می‌رسید.» (خبرگزاری فارس ۳۰ مهر ۱۴۰۴)
- محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار: پرستار ترجیح می‌دهد در خانه بماند، اما در بیمارستان کار نکند که ماهی ۱۸ میلیون تومان دریافت کند. (آرمان امروز ۱۷ خرداد ۱۴۰۴)
- امروز یک پرستار باید دو یا سه شیفت کار کند تا هزینه‌های زندگی‌اش را تأمین کند. (تابناک اول آبان ۱۴۰۴)
- مهم‌ترین دلیل کمبود نیروی پرستار، میزان دستمزد پایین آنهاست. پرستاران در کشور ما بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون دریافتی ثابت دارند که کمترین میزان حقوق در میان کارکنان مشاغل دولتی است. به دلیل کمبود پرستار، مجبور به ۸۰ تا ۱۰۰ ساعت اضافه‌کاری اجباری هستند، با این حال، مبلغ پرداختی برای اضافه‌کار به پرستاران پایین است و همان مبلغ هم با تأخیر سه تا چهار ماهه پرداخت می‌شود. (هم میهن ۱۳ مرداد ۱۴۰۴)

سالانه ۳۰۰۰ پرستار از ایران مهاجرت می‌کنند

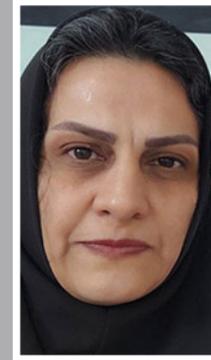
۴۰ هزار دانشجوی ایرانی در گروه‌های مختلف علوم پزشکی در دانشگاه‌های خارج از کشور مشغول به تحصیل، بخش قابل توجهی دختران دانشجو هستند

حقوق ناچیز و پرستاران زیر خط فقر

- حقوق بخش زیادی از پرستاران حدود ۲۰ میلیون تومان است. (رکنا ۲ فروردین ۱۴۰۴)

خوزستان توسط نیروهای اطلاعات سپاه بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. وی پس از اعتراضات ۸۸ از دانشگاه پیام نور اخراج شد.

- ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ هشت فعال صنفی معلمان در استان کرمان، از جمله ۵ معلم زن به نام‌های فاطمه یزدانی، میترا نیک‌پور، زهرا عزیزی، لیلا افشار و شهناز رضائی شریف آبادی، به اتهامات امنیتی و تبلیغ علیه نظام به پرداخت ۷۰۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم شدند.
- ۱۸ آذر ۱۴۰۴ احکام قطعی توسط هیات رسیدگی به تخلفات اداری آموزش و پرورش برای ۱۷ معلم اهل استان کردستان، صادر و به آنان ابلاغ شد. سمیه اخترشمار اهل مریوان دارای مدرک کارشناسی زبان انگلیسی با ۱۸ سال سابقه کار اخراج شد. نسرين کریمی (فوق لیسانس جامعه‌شناسی با ۲۷ سال سابقه) به بازنشستگی اجباری همراه با تنزل دو رتبه شغلی و لیلا زارعی (لیسانس آموزش ابتدایی با ۳۲ سال سابقه) به خلع از سمت معاونت مدرسه و بازنشستگی اجباری با کاهش یک رتبه شغلی محکوم گردیدند.



سکینه ملکی



کبری طاهرخانی



فروغ خسروی



سمیه اخترشمار



نسرين کریمی



آرزو جلیل زاده



لیلا زارع

تبعیض و فشار مضاعف علیه زنان معلم

زنان معلم علاوه بر سرکوب عمومی، با تبعیض‌های خاص نیز مواجه می‌باشند. این شرایط زنان معلم را در موقعیتی قرار داده که نه تنها برای حقوق صنفی بلکه برای ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود باید مبارزه کنند.

- با وجود اینکه زنان ۶۰ تا ۶۴٪ بدنه آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهند، سهم آن‌ها در مدیریت تنها حدود ۷٪ است.
- پایین بودن حقوق، تأخیر در پرداخت‌ها و فشار روانی باعث افسردگی و فرسودگی گسترده زنان معلم شده است.
- اجبار به تدریس معلمان زن در مناطق دورافتاده و هزینه‌های بالای رفت و آمد.
- نبود مهدکودک‌های دولتی و ساعات کاری نامتناسب برای معلمان مادر.
- فشارهای فرهنگی و انضباطی ویژه، از جمله سخت‌گیری‌های حجاب در محیط کار.

ارزان بودن نیروی کار زنان و زنانه شدن مشاغل با دستمزد ناکافی

هیچ آمار دقیقی از تعداد کارگران زن در ایران و شرایط رقت انگیز آنها وجود ندارد و آمار ناقص موجود بر اساس تعداد کارگرانی است که تحت پوشش ارگانهای حکومتی قرار دارند.

زنان خانواده با وجود سطح بالای بیکاری و قوانین زن ستیز مجبورند که جویای کار باشند و معمولاً کارهایی پیدا می‌کنند که در شرایط بسیار سخت‌تری است و مزد بسیار کمتری نیز دریافت می‌کنند.

بخش کوچکی از زنان که در بازار کار مردسالار ایران شغلی به دست می‌آورند، اغلب در بخش خدمات یا کارگاه‌های غیررسمی مشغول به کار می‌شوند. این مشاغل اغلب با قراردادهای موقت همراه است. زنان شاغل در این واحدهای تولیدی کوچک، همواره در معرض شرایط ناپایمن، دستمزدهای پایین و فقدان حمایت‌های اجتماعی کافی قرار دارند تا جایی که حتی برخی مقامات رژیم این شرایط را «برده داری مدرن» توصیف کرده اند.



- ارزان بودن نیروی کار زنان باعث زنانه شدن مشاغل شده است. امروز کمتر مردی با حداقل حقوق ۱۲ تا ۱۵ میلیونی در محیط‌های کاری حاضر می‌شود به‌خاطر همین اکثر نیروهای جدید از میان زنان جذب می‌شوند و تنها از حداقل مزایای کاری و حقوقی مانند بهره‌مندی از ساعات اضافه کاری و ... محروم هستند بلکه افزایش حقوقشان هم به‌صورت قطره‌چکانی انجام می‌شود. (همشهری ۱۲ شهریور ۱۴۰۴)

- در حالیکه بسیاری از کارگران زن در مشاغل غیررسمی یا مشاغل خانگی فعالیت میکنند، بیشترین آسیب‌ها نیز شامل آنان می‌شود که با قراردادهای نامشخص و سفیدامضا کار می‌کنند و دستمزدشان کمتر از دستمزدهای قانونی است. (سایت توانمندسازی حاکمیت و جامعه ۱۹ بهمن ۱۴۰۳)

- زنان شالیکار، هویت کارگاهی ندارند. یعنی قانون اصلاً آن‌ها را به‌عنوان کارگر نمی‌شناسد. بیمه تأمین اجتماعی برای آن‌ها در دسترس نیست و اگر هم بیمه روستایی گرفته‌اند، آن‌قدر ناقص و بی‌پشتوانه است که در بحران‌ها، هیچ کمکی نمی‌کند. (رکنا ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴)

- زنان کارگر نیز عموماً نه بیمه دارند و نه سرویس رفت و آمد و غذا. برخی زنان کارگر حتی بعد از ۱۵ سال اشتغال، بیمه و قراردادی ندارند. این امر آسیب‌پذیری آنان را در برابر حوادث چند برابر می‌کند.

زنان کارگر اولین قربانیان تعدیل نیروی کار

● دبیر اتحادیه سراسری زنان کارگر آذربایجان شرقی: زنان کارگر نخستین قربانیان بحران‌های اقتصادی هستند. هرگاه برنامه اخراج یا تعدیل نیرو پیاده‌سازی می‌شود زنان متاسفانه در صف اول قرار دارند. بسیاری از کارفرمایان معتقدند که زنان در صورت ازدواج یا بارداری کارایی کمتری دارند و با وجود تجربه مهارت لازم کنار گذاشته می‌شوند. (ایلنا ۷ تیر ۱۴۰۴)

● زنان کارگر از روی استیصال به آزارهای جنسی تن می‌دهند زیرا در صورت استقامت و ایستادگی، با اخراج، محروم شدن از ارتقاء شغلی و مزایای شغلی مواجه می‌شوند (اخبار روز ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴)

● مادران از ترس از دست دادن شغل، تنها بخشی از مرخصی زایمان خود را استفاده می‌کنند. یک مادر شاغل در بانک تنها ۲ ماه از مرخصی ۹ ماهه خود استفاده کرد چون نگران جایگزین شدن بود. (بهارنیوز ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴)

● زنان کارگر فصلی در جامعه مرد سالار همواره از نبود امنیت شغلی بیشتری رنج می‌برند؛ این زنان به دلیل محدودیت‌های اجتماعی در جوامع سنتی مجبور به فعالیت‌های یدی در مزارعی می‌شوند که نه تنها فعالیتشان از مردان کمتر نیست بلکه گاهی از حجم کار آنان نیز به مراتب بالاتر و برابری دستمزد ندارند. (عصرایران ۲۱ مهر ۱۴۰۴)

بسیاری از زنان سرپرست خانوار با حقوق

پایین، قراردادهای سفیدامضا یا بدون بیمه

اجتماعی مجبور به پذیرش مشاغل دشوار

و غیررسمی هستند.

زنان سرپرست خانوار فقیرترین فقرا را تشکیل می‌دهند. بیش از ۵۰ درصد از خانوارهای زن سرپرست در دو دهک اول و دوم یعنی فقیرترین گروه‌ها قرار دارند. فقر برای آنان نه یک بحران موقت، بلکه واقعیتی مزمن و بازتولیدشونده است.

زنان سرپرست خانوار در میانه تورم افسارگسیخته، نبود حمایت‌های اجتماعی، و بازار کار تبعیض‌آمیز، بیش از هر قشر دیگری در معرض فروپاشی معیشتی قرار دارند. در کشوری که حتی آمار زنان سرپرست خانوار در آمار رسمی جایی ندارد، فاجعه‌ای پنهان در زندگی این زنان جریان دارد.

● امروز در هر چهارراه و خیابان پررفت‌وآمد، زنانی دیده می‌شوند که هر کدام به نوعی در تلاش برای تأمین هزینه‌های روزانه خود هستند. تکدی‌گری، فروش اجناس خرد، جمع‌آوری کارتن و پلاستیک از سطل زباله‌ها صحنه‌هایی که بارها دیده‌ایم، اما درد آن جاست که پشت هر چهره خسته، کودکی چشم به راه مادری است که دیگر مجالی برای مهر ندارد. (تسنیم ۱۶ آبان ۱۴۰۴)

● آمار کل زنان سرپرست خانوار بیش از ۶ میلیون اعلام شده که نیمی از آن‌ها فاقد بیمه‌اند. (سایت دنیای اقتصاد ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴)



بار زندگی بر دوش زنان سرپرست خانوار: نان‌آوران تنها در ایران



برای بیش از ۶ میلیون زن سرپرست خانوار در ایران، فقر نه یک بحران موقت، بلکه واقعیتی مزمن و بازتولیدشونده است.

● سوده نجفی (عضو شورای شهر تهران) هشدار داده که فرصت‌های شغلی محدود و نبود حمایت اجتماعی، زنان سرپرست خانوار را در معرض خطر آسیب‌هایی مانند اضطراب، افسردگی و احساس بی‌پناهی قرار داده است. زندگی در مناطق محروم یا حاشیه شهرها، جایی که خدمات شهری، دسترسی به مراکز درمانی، آموزشی و فرهنگی محدود است آنان را در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌دهد. (خبرگزاری ایرنا ۱۸ خرداد ۱۴۰۴)

● مریم خاک رنگین، مدیرکل دفتر خانواده و زنان معاونت سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی، با اشاره به اینکه شیوع برخی بیماری‌ها به‌ویژه سرطان در میان زنان سرپرست خانوار بالاتر از جمعیت عمومی است، گفت: ۲۲ هزار زن سرپرست خانوار به مراکز بهداشت مراجعه کرده و غربالگری‌هایی شامل دیابت، فشار خون، بیماری‌های قلبی و سرطان‌های شایع زنان از جمله سرطان سینه، رحم و روده برای آنان انجام شده است. (ایسنا ۲۹ آذر ۱۴۰۴)

● در حالی که خط فقر و سبد معیشت اکنون بیش از ۵۵ میلیون تومان شده، غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس حکومتی در مثالی گفت: در یک کارگاه قالی‌بافی، ۴۰ تا ۵۰ بانوی سالخورده مشغول کار بودند. دست‌های‌شان متورم و زخمی بود و دریافتی‌شان بین ۱.۹۰۰ تا ۳ میلیون تومان بود و بیمه هم نداشتند. (سایت تحلیل بازار ۱۷ خرداد ۱۴۰۴)

● یکی از دلایل مهم شیوع بیماری‌ها در میان زنان، به‌ویژه زنان سرپرست خانوار یا به‌طور کلی جمعیت‌های کم‌درآمد، این است که آن‌ها کمتر وارد برنامه‌های غربالگری می‌شوند.

تشخیص‌های به‌موقع در این گروه‌ها به دلیل عدم پیگیری برنامه‌های غربالگری و همچنین مشکلات مالی، گاهی اوقات از اولویت پرداخت‌های آن‌ها خارج می‌شود. (ایلنا ۸ دی ۱۴۰۴)

● هفتاد درصد جمعیت غیرفعال اقتصادی زنان هستند و این امر به معنای فشار مضاعف و فقر گسترده برای زنان شاغل، خانه‌دار یا دستفروش است. بسیاری از زنان سرپرست خانوار با حقوق پایین، قراردادهای سفیدامضا یا بدون بیمه اجتماعی مجبور به پذیرش مشاغل دشوار و غیررسمی هستند. (دنیای اقتصاد ۸ دی ۱۴۰۳)

● تومانیان شده، غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس حکومتی در مثالی گفت: در یک کارگاه قالی‌بافی، ۴۰ تا ۵۰ بانوی سالخورده مشغول کار بودند. دست‌های‌شان متورم و زخمی بود و دریافتی‌شان بین ۱.۹۰۰ تا ۳ میلیون تومان بود و بیمه هم نداشتند. (سایت تحلیل بازار ۱۷ خرداد ۱۴۰۴)

فقدان حمایت‌های اجتماعی و قانونی

● سوده نجفی، عضو شورای شهر تهران: زنان در معرض ۱۲۰ نوع آسیب اجتماعی قرار دارند. وی با اشاره به اینکه ۶ میلیون زن سرپرست خانوار در کشور داریم، افزود: حدود نیمی از این زنان فاقد بیمه هستند و این یعنی ما با قشری روبه‌رو هستیم که نه تنها بار زندگی خانواده را به دوش دارند، بلکه خودشان نیز از حداقل حمایت‌ها محروم هستند. (ایرنا ۱۳ خرداد ۱۴۰۴)

● زنان سرپرست خانوار اغلب به مشاغل غیررسمی، دستفروشی، کارگاه‌های کوچک و حتی فروش موی سر روی می‌آورند. یکی از فروشندگان گفت: «بیکار بودم و برای هزینه درمان پسرم چاره‌ای نداشتم و به همین دلیل موهایم را فروختم، اما پولش حتی برای یک ماه هم کافی نبود.» (خبر آنلاین ۱۸ فروردین ۱۴۰۴)

● در حالیکه با افزایش زنان سرپرست خانواده مواجه هستیم. طبق آماري که ارائه شده، تنها ۲۸۳ هزار و ۵۰۰ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند. (روزنامه ایران ۲۷ مرداد ۱۴۰۴)

● اغلب زنان سرپرست خانوار تجربه آزار دارند. زنی پس از پاسخگویی به آگهی «نظافت منزل» در فضای مجازی، به محل موردنظر مراجعه کرده و پس از مراجعه، مورد تجاوز قرار می‌گیرد. فاطمه قاسم‌پور، نماینده سابق مجلس درباره ابعاد سیاستی این ماجرا گفت: «این موضوع از چند منظر نیاز به بررسی سیاست‌گذارانه و اجرایی دارد. اولین اقدام حمایت از امنیت زنان است.» (خبر آنلاین ۳۱ فروردین ۱۴۰۴)

● مرضیه مهدوی، رئیس اتحادیه زنان کارگر استان گیلان: بسیاری از زنان بازنشسته بی‌سرپرست هستند و با داشتن چند فرزند و حقوق ناچیز، زندگی آنها بسیار دشوار است. حقوق زنان کمتر از مردان است و بسیاری از کارگران حتی قرارداد رسمی ندارند. این شرایط باعث شده زنان کارگر از حقوق قانونی خود محروم شوند. (ایلنا ۷ آبان ۱۴۰۴)

● زهرادر مترو دستفروشی می‌کند؛ او سرپرست یک خانواده



فراتر از سختی و گرسنگی: حکایت‌هایی از زندگی زنان سرپرست خانوار

را در تصادف از دست دادم خانواده‌ام هم توان مالی ندارند برای خرج خودم و دو دخترم مجبور شدم برای زنده ماندن، به این کار روی بیاورم. (تسنیم ۱۶ آبان ۱۴۰۴)

● مینا زنی ۴۳ ساله است و با دختر نوجوانش زندگی می‌کند. او مترجم است اما حقوق مترجمی کفاف زندگی شان را نمی‌دهد و ماه‌هاست که برای تامین پول اجاره خانه مجبور شده گوشت و مرغ را حذف کند و بعضی روزها نان و رب بخورد. این زن سرپرست خانواده، بعضی روزها در شرکت‌های خدماتی نظافت منزل کار می‌کند تا به گفته خودش، تا آخر ماه از گرسنگی نمیرند.

● چیمین ۴۵ سال دارد و همسرش به دلیل دیسک کمر شدید قادر به کار کردن نیست، می‌گوید: «من الان سرپرست خانواده‌ام. سه تا بچه مدرسه‌ای دارم. مستاجر هستیم و خودم کولبری می‌کنم. دخترم طلاق گرفت با یک بچه کوچک برگشت خانه و شوهرم دیسک کمر دارد. الان هفت نفر هستیم. اگر من کولبری نکنم از کجا بیاریم بخوریم؟»

چهارنفره و فاقد بیمه است؛ منبع درآمدش فقط دستفروشی است و در سوئیتی کوچک در اسلامشهر مستاجر است؛ او در یک ماه اخیر به خاطر شرایط خاص کشور، چیزی حدود ۳ میلیون تومان درآمد داشته است، مبلغی که از نصف اجاره خانه هم کمتر است. گاهی اوقات نان خالی هم نمی‌توانند بخورند. (ایلنا ۲۰ تیر ۱۴۰۴)

● شیوا حدوداً ۳۵ ساله با مدرک لیسانس ادبیات، راننده تاکسی اینترنتی است؛ شیوا مدتی است که از همسرش جدا شده و با دختر دوساله‌اش زندگی می‌کند. کل درآمدش پولی است که از رانندگی به دست می‌آورد و گاهی در یک هفته هیچ درآمدی نداشته است. (ایلنا ۲۰ تیر ۱۴۰۴)

● ساناز، زنی که زندگی خود، دختر کوچک و بخشی از هزینه‌های مادرش را با فروش اینترنتی لوازم آرایش و لباس زنانه می‌گذراند، به دلیل قطع اینترنت تصمیم به دستفروشی می‌گیرد اما ماموران اجازه نمی‌دهند دستفروش، کنار خیابان بنشیند. آنچه مادرش به عنوان همسر یک مستمیری بگیر از تأمین اجتماعی می‌گیرد فقط ۱۰ میلیون تومان است، که پول داروهای قلب و دیابت خودش می‌شود. حالا قطعی اینترنت و رکود بازار، زندگی این خانواده زنانه‌ی سه‌نفره را به یک دیگ جوشان از استرس و اضطراب برای فردا تبدیل کرده است. (ایلنا ۲۰ تیر ۱۴۰۴)

● زنی که از سطل زباله کارتن جمع می‌کند می‌گوید: همسر





زنان؛ قربانیان خشونت و بی‌عدالتی ساختاری

۴

افزایش ۹۱ درصدی اعدام زنان در ایران طی یک سال



زهرا شهباز طبریزی،

زندانی سیاسی ۶۷ ساله در یک «دادگاه» ده دقیقه‌ای آنلاین و بدون دسترسی به وکیل انتخابی، به اعدام محکوم شد.

اتهام او: «هواداری از سازمان مجاهدین خلق» بدلیل یک تکه پارچه با شعار «زن، مقاومت، آزادی» و یک پیام صوتی

اعدام زنان در ایران یکی از بی‌رحمانه‌ترین اشکال خشونت سازمان‌یافته حکومتی است؛ خشونتی که هیچ حکومت دیگری در تاریخ معاصر با این گستردگی علیه زنان اعمال نکرده است.

● رژیم ایران رکورددار اعدام زنان در جهان است؛ با آماری هولناک که روایتگر ترس، بحران و استیصال رژیمی است که در برابر خیزش‌های عمومی و قیام در پی شکست‌های پیاپی سیاسی و اقتصادی چاره‌ای جز تشدید کشتار و ایجاد رعب و وحشت نمی‌بیند.

● تا پایان سال ۲۰۲۵، ۲۲۷۰ زندانی در ایران اعدام شدند که شامل ارقام وحشتناک ۱۹ زندانی سیاسی و ۱۲ اعدام در ملاءعام می‌باشد. ۱۰۸۰ نفر از آن‌ها تنها در سه ماه اکتبر، نوامبر و دسامبر به دار آویخته شده‌اند.

● در میان قربانیان این «بحران اعدام»، دست کم ۶۵ زن اعدام شده‌اند؛ رقمی که نسبت به کل سال گذشته ۹۱ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

نیمی از این تعداد (۳۳ نفر) تنها طی چهار ماه آخر سال (سپتامبر تا دسامبر) به دار آویخته شدند.

● در سال ۲۰۲۶ تا پایان فوریه نیز رژیم حداقل ۱۰ زن را اعدام کرده است.

● از زمان روی کار آمدن مسعود پزشکیان در ژوئیه ۲۰۲۴ تا نیمه فوریه ۲۰۲۵ یعنی ظرف ۱۸.۵ ماه، رژیم آخوندی نزدیک به ۳۵۰۰ اعدام انجام داده است که ۹۶ زن در میان این قربانیان بودند.

یک زندانی سیاسی زن به اعدام محکوم شد

● رژیم ملایان زهرا شهباز طبریزی، زندانی سیاسی ۶۷ ساله را در یک «دادگاه» ده دقیقه‌ای آنلاین و بدون دسترسی به وکیل انتخابی، به اعدام محکوم کرد. در حالی که تنها مدرک موجود علیه او یک تکه پارچه با شعار «زن، مقاومت، آزادی» و یک پیام صوتی منتشر نشده بود. اتهام او: «هواداری از سازمان مجاهدین خلق» است که علاوه بر او، ۱۷ زندانی سیاسی دیگر با همین اتهام در صف اعدام قرار دارند.

● سعید ماسوری، قدیمی‌ترین زندانی سیاسی ایران، در نامه‌ای به تاریخ ۲۵ تیر ۱۴۰۴ از زندان قزلحصار هشدار داد:

«جنایتی در حال وقوع است؛ اگر سکوت کنیم، قتل‌عامی دیگر مانند سال ۶۷ تکرار خواهد شد.»

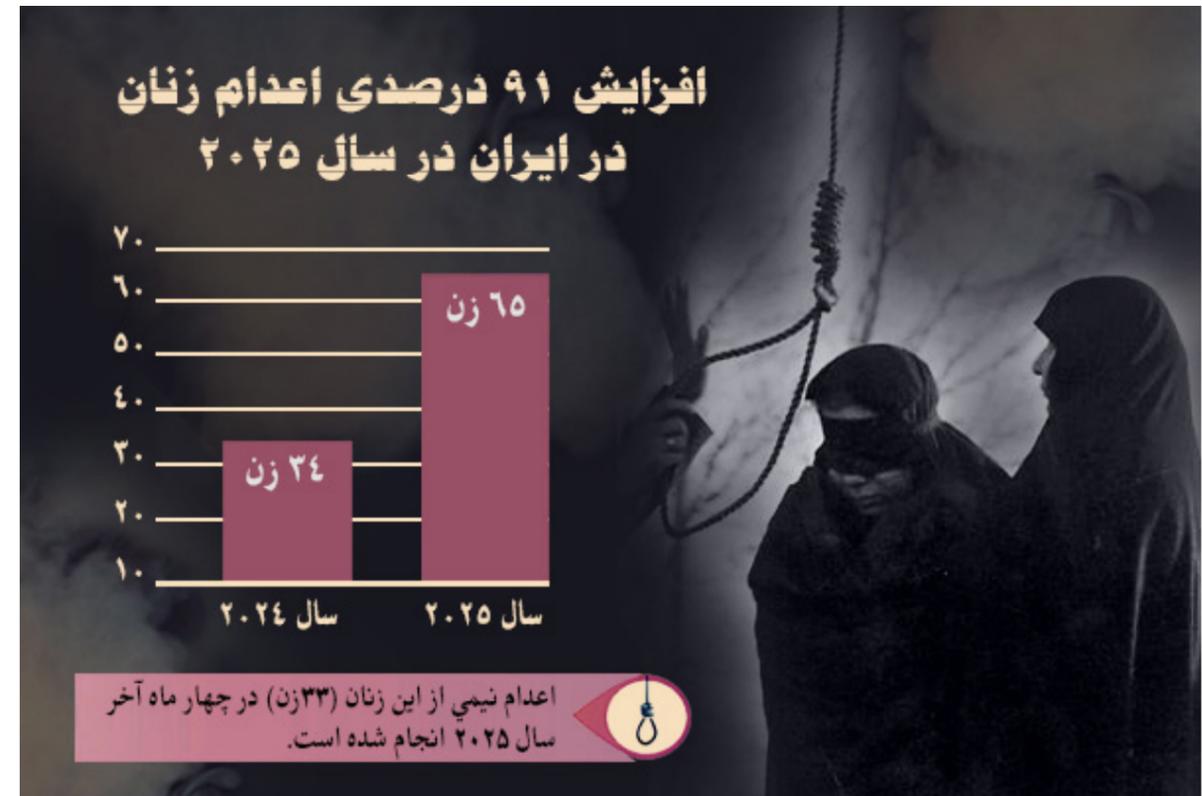
● رسانه‌های حکومتی نیز آشکارا از قتل عام ۶۷ تمجید کرده و خواستار تکرار آن شده‌اند. خبرگزاری فارس در ۱۷ تیر ۱۴۰۴ با گستاخی این جنایت را «کارنامه‌ای درخشان» خوانده و نوشت: «امروز زمان تکرار این تجربه موفق تاریخی است.»

● آنچه در رسانه‌های حکومتی بازگو می‌شود، پرده از نیت واقعی رژیم کنار می‌زند: اعدام، ابزار اصلی سرکوب سیاسی است.

رژیم آخوندی طی دهه ۶۰ بیش از ۱۰۰ هزار تن از جمله دهها هزار زن مجاهد و مبارز را در جریان یک نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت اعدام کرد و یا در زیر شکنجه کشت.

● تکانه‌دهنده‌ترین آن قتل عام ۳۰۰۰۰ زندانی سیاسی در زندانهای سراسر ایران بود که در تابستان ۶۷ با فتوای خمینی انجام شد که طبق بیانیه گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران، «پرفسور جاوید رحمان»، یک جنایت علیه بشریت بوده است.

اعدام، ابزار وحشت رژیم علیه جامعه ای ملت‌هلب



زنان اعدامی؛ قربانی خشونت، فقر و بی‌عدالتی

بسیاری از زنانی که به اعدام محکوم می‌شوند خود در چرخه خشونت و بی‌پناهی گرفتار بوده‌اند. آنان قربانی قوانین تبعیض‌آمیز، خشونت خانگی، فقر و ساختارهای فاسدی هستند که هیچ‌گونه حمایت قانونی برایشان فراهم نکرده است. برخی از این زنان تنها هنگامی مرتکب قتل شده‌اند که دیگر راهی برای دفاع از جان و کرامت خود نداشتند؛ زنانی که اگر امکان طلاق، حمایت قضایی و پناهگاه داشتند هرگز به این نقطه نمی‌رسیدند.

بخشی دیگر از قربانیان به دلیل جرایم مرتبط با مواد مخدر اعدام می‌شوند؛ زنانی که از فقر شدید رنج می‌برند، به اجبار همسران وارد این چرخه شدند یا برای تأمین حداقل نان شب فرزندانشان دست به جابه‌جایی مقادیر اندک مواد زده‌اند. این زنان اعدام میشوند، در حالی که شبکه‌های اصلی قاچاق در اختیار باندهای وابسته به سپاه پاسداران است که سودهای کلان به جیب می‌زنند.

برخی نمونه‌های تکانه‌دهنده

- مرضیه اسماعیلی، ۳۹ ساله و مادر یک دختر، ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ به اتهام جابه‌جایی ۶۰۰ گرم مواد به بهای تنها ۱۰ میلیون تومان (۱۰۰ دلار) اعدام شد.
- زهرا میرغفاری، مادر دو دختر ۹ و ۱۳ ساله، روز ۱۷ آبان ۱۴۰۴ قربانی همین چرخه مرگ‌بار شد.
- مینا صدوقی، مادر سه فرزند ۷، ۹ و ۱۱ ساله، روز ۵ آذر ۱۴۰۴، همراه با همسرش بدون اطلاع خانواده و حتی بدون آخرین ملاقات با فرزندانش اعدام شد.

بازگشت سرکوب زنان تحت عنوان حجاب

به معنای شکست یکی از ستون‌های ایدئولوژیک رژیم، ضعف و درماندگی آن را هرچه بیشتر عیان کرده است. در شرایطی که رژیم با انبوهی از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دست‌به‌گریبان است، برای کنترل اوضاع و پوشاندن ضعف مفرط خود بار دیگر به سرکوب زنان متوسل شده است.

از ماه مهر، رژیم ملایان بار دیگر زمره‌هایی جدی برای تشدید سرکوب زنان به بهانه تحمیل حجاب اجباری را آغاز کرده است. این موج تازه بخشی از تلاش‌های رژیم برای مهار جامعه‌ای است که پس از قیام سراسری ۱۴۰۱ دیگر به وضعیت پیشین بازنگشته است. نافرمانی گسترده زنان در برابر حجاب اجباری،

قانون «عفاف و حجاب ۱۴۰۴»: چارچوب حقوقی سرکوب

- آنچه امروز تحت عنوان «قانون عفاف و حجاب ۱۴۰۴» تبلیغ می‌شود، در واقع همان قانونی است که سال گذشته به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید، اما شورای عالی امنیت رژیم از بیم خیزش‌های اجتماعی و قیام‌های مردمی، اجرای آن را متوقف کرد. اکنون رژیم می‌کوشد همان قانون را با تعویض تاریخ به اجرا بگذارد. (ابننا ۲۱ آبان ۱۴۰۴)

- این قانون بی‌حجابی را در اماکن عمومی، خودرو و فضای مجازی جرم‌انگاری می‌کند و با جریمه‌های سنگین مالی، تعلیق خدمات اداری، ممنوع‌الخروجی و محرومیت‌های اجتماعی همراه است. تعریف گسترده و مبهم از «محیط عمومی» عملاً دامنه سرکوب را به تمام عرصه‌های زندگی زنان گسترش می‌دهد و سازوکاری تنبیهی و کنترلی برای اعمال فشار ساختاری بر زنان به‌شمار می‌رود.

- صد و پنجاه و پنج تن از اعضای مجلس رژیم با نوشتن نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضائیه خواستار اجرای قانون حجاب و عفاف شدند که از سوی شورای عالی امنیت ملی اجرای آن متوقف شد. (عصر ایران ۱۲ آذر ۱۴۰۴)



بسیج اجتماعی برای کنترل زنان



راه‌اندازی «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» و «فعال شدن ۸۰ هزار نیروی آمر به معروف»



از گشت ارشاد تا «آمران به معروف»: بسیج اجتماعی برای کنترل زنان

رژیم در کنار قانون‌گذاری سرکوبگرانه، رژیم به سمت بسیج اجتماعی کنترل محور حرکت کرده است.

● روح‌الله مومن‌نسب، دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران، پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴، از راه‌اندازی «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» و «فعال شدن ۸۰ هزار نیروی آمر به معروف» خبر داد. این تلاشی است برای جایگزینی گشت ارشاد رسمی با شبکه‌ای پراکنده، غیرپاسخگو و فراگیر است. مومن‌نسب مشخص نکرد که وظیفه این ۸۰ هزار نیرو دقیقاً چیست. آنچه مسلم است این که نقش این نیروها نه تنها نظارت و گزارش‌دهی، بلکه ایجاد فشار اجتماعی و مداخله مستقیم در زندگی روزمره مردم است.

امنیتی‌سازی حجاب: از «بدحجابی» تا «شبکه‌های فساد»

● هم‌زمان، مقامات رژیم از جمله ولی فقیه ملایان بر الزام حجاب تأکید می‌کنند. علی‌خامنه‌ای در یک سخنرانی روز ۱۳ آبان اظهار داشت: «باید مسئله حجاب را یک مسئله دینی و اسلامی دانست.»

● غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه رژیم نیز در سفرهای استانی، با ادبیاتی امنیتی بر اجرای قوانین موجود برای تحمیل حجاب تأکید کرد. استفاده از مفاهیمی مانند «شبکه‌های سازمان‌یافته فساد و فحشا»، «دشمن خارجی» و «جنگ نرم»، تلاشی آشکار برای تبدیل مسئله حجاب زنان به پرونده‌ای امنیتی است. وی بر برخورد قاطع با اماکن کسب مثل رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها تأکید کرد و گفت: «دیگر اینچنین نخواهد بود که واحد صنفی متخلف صرفاً برای مدت کوتاهی پلمپ شود.» اژه‌ای افزود: «وضع موجود نباید ادامه یابد؛ من نمی‌گویم در این زمینه صرفاً برخورد قهری صورت گیرد، اما تأکید دارم که این وضعیت نباید تداوم داشته باشد.» (دیدبان ایران ۱۳ آذر ۱۴۰۴)

● همچنین علی‌صالحی، دادستان تهران، ضمن اشاره به اینکه ۲۸ دستگاه اجرایی در حوزه «حجاب و عفاف» وظایف قانونی مشخص دارند، گفت «برخی شبکه‌های سازمان‌یافته فساد و فحشا با حمایت دشمنان خارجی» فعالیت می‌کنند و خواستار اقدام قاطع و سریع نیروهای انتظامی و امنیتی در شناسایی و برخورد با این باندها شد. (ایرنا ۲۸ آبان ۱۴۰۴)

● این امنیتی‌سازی، زمینه‌ساز بازداشت‌ها، برخوردهای فراقانونی و تشدید سرکوب زنان شده، در حالی که هیچ مبنای حقوقی روشنی برای چنین سطحی از مداخله امنیتی وجود ندارد.

پارادوکس رژیم آخوندی

اقدامات اخیر، بیش از هر چیز، بن‌بست رژیم آخوندی در حل بحران‌های انباشته اقتصادی و اجتماعی را عیان می‌کند؛ از کمبود آب و برق و بحران بنزین گرفته تا گرانی و تورم افسارگسیخته که جامعه را در آستانه انفجار قرار داده است. در چنین شرایطی، حجاب اجباری به ابزار کنترل سیاسی و قدرت‌نمایی بدل شده است.

تجربه نشان داده است که هر زمان رژیم آخوندی با چالش اجتماعی گسترده مواجه می‌شود، از مفاهیمی چون «شبکه‌های فساد»، «جنگ ترکیبی» یا «دشمن خارجی» برای مشروعیت بخشیدن به سرکوب استفاده می‌کند. امنیتی‌سازی بی‌حجابی نه تنها فاقد پشتوانه قانونی است، بلکه نقض آشکار حقوق شهروندی و آزادی‌های زنان است و هدف آن ایجاد هراس اجتماعی و اعمال کنترل سیاسی است.

با این‌همه، مقاومت پیگیر زنان نشان می‌دهد که این سیاست‌های سرکوبگرانه نه تنها راه نجاتی برای رژیم نیست، بلکه آن را به سرنوشت محتوم خود نزدیک‌تر می‌کند؛ سرنوشتی که در آن، سرنوشتی به‌دست مردم و مقاومت سازمان‌یافته آنان رقم خواهد خورد.

هیچ خانه‌ای امن نیست: واقعیت پنهان خشونت خانگی در ایران



وقتی قانون مجازات تناسبی با جرم ندارد، خشونت‌ورزان می‌بینند که مجازات چندانی در انتظارشان نیست. در بسیاری از موارد، احکام صادرشده از سوی دستگاه قضائی نه تنها بازدارنده نیست، بلکه به نوعی مشوق مجرم است.

- محمدرضا محبوب‌فر، کارشناس آسیب‌شناسی: «ایران رتبه اول در خشونت خانگی را دارد و امروز هیچ خانه‌ای در ایران امن نیست.» (روزنامه حکومتی جهان صنعت ۲۹ آبان ۱۳۹۹)
- لایحه «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» با وجود ۱۴ سال مطرح بودن، هنوز تصویب نشده است. (سایت حکومتی فرارو ۲۷ مهر ۱۴۰۴)
- حتی به کار بردن کلمه «خشونت» یکی از عوامل رد شدن این لایحه است. اشرف‌گرامی‌زادگان، حقوقدان و مشاور حقوقی و پارلمانی معاونت امور زنان و خانواده: «درج واژه «خشونت» در لایحه باعث شد برخی بگویند نگاه «فمنیستی» به آن وجود دارد.» (روزنامه حکومتی شرق ۱۵ آبان ۱۴۰۴)
- زهرا بهروز آذر، معاون امور زنان و خانواده: «میزان خشونت و همسرآزاری بین زنان ۳۰ برابر مردان است که هنوز آمار آن محرمانه نگهداری می‌شود.» (روزنامه حکومتی شرق ۱۹ مهر ۱۴۰۴)
- زهرا افتخارزاده، مؤسس خانه امن غیردولتی «آتنا»: «ما با افزایش خشونت خانگی مواجه‌ایم، اما هیچ نهاد رسمی در ایران مسئولیت جمع‌آوری داده‌های دقیق در این زمینه را بر عهده نگرفته و پژوهش‌های گسترده‌ای هم انجام نشده است. تا وقتی سیاست‌گذاری ملی و بودجه مشخصی وجود نداشته باشد، نمی‌توان تصویری واقعی از خشونت خانگی به‌دست آورد.» (روزنامه حکومتی شرق ۱۹ مهر ۱۴۰۴)

تنها ۲۸ خانه امن در ۳۱ استان برای زنان خشونت دیده

زنان و دخترانی که وحشت، ناامنی، تحقیر و توهین بر روح و جسمشان آسیب زده و برای زنده ماندن آواره پارک‌ها و خیابان‌ها می‌شوند، در حالی که ده‌ها آسیب دیگر تهدیدشان می‌کند، حتی نمی‌دانند که خانه امنی وجود دارد که به آن پناه ببرند؛ زیرا تعداد این خانه‌ها بسیار کم است و خود در گمنامی با سختی برای باقی ماندن تلاش می‌کنند.

- اساساً تا سال ۱۳۹۳ خانه امنی وجود نداشت. از سال ۱۳۹۳ که مجوز راه‌اندازی خانه های امن دولتی و غیردولتی در ایران داده شد تا سال ۱۳۹۶، ۲۸ خانه راه‌اندازی شد، که هم از نظر تعداد بسیار محدود و هم شرایط پذیرش آن برای زنان آسیب‌دیده و بی‌سرپناه سخت است. (سایت حکومتی فرارو ۲۹ مهر ۱۴۰۲)
- خانه امن پذیرش مستقیم ندارد. زنی که احساس می‌کند اگر در خانه بماند جاننش در خطر است، نمی‌تواند مستقیماً به خانه امن مراجعه کند، بلکه با همراهی نیروی انتظامی و هماهنگی ضابط قضایی و در صورتی که خشونت خانگی تأیید شود، می‌تواند به خانه امن مراجعه کند. (سایت حکومتی بهزیستی ۲۶ آذر ۱۳۹۹)
- کسانی می‌توانند به خانه های امن دولتی زیر پوشش بهزیستی پناه ببرند که دادگاه خانواده این اجازه را به آنها داده باشد. وقتی زن بدون اجازه شوهرش نمی‌تواند خانه را ترک کند، بدون اجازه شوهرش هم نمی‌تواند به خانه امن پناه برد. (خبرگزاری دویچه وله ۱۲ اسفند ۱۴۰۰)
- تنها ۸ خانه امن دولتی در کشور فعال است و هر مرکز ظرفیت پذیرش حدود ۵ زن را دارد. به این معنا که مجموعاً فقط حدود ۱۳۵ زن می‌توانند همزمان از این خدمات بهره‌مند شوند. این تعداد در مقابل میلیون‌ها زن خشونت‌دیده در ایران، عددی بسیار ناچیز است. (خبرگزاری مهر ۲۹ خرداد ۱۴۰۱)
- سلمان حسینی، رئیس مرکز فوریت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی: ۲۸ خانه امن در ۲۵ استان فعالیت می‌کنند که با وجود افزایش خشونت‌های خانگی، نیاز به تأسیس خانه های بیشتر وجود دارد. (روزنامه حکومتی شرق ۱۹ مهر ۱۴۰۴)



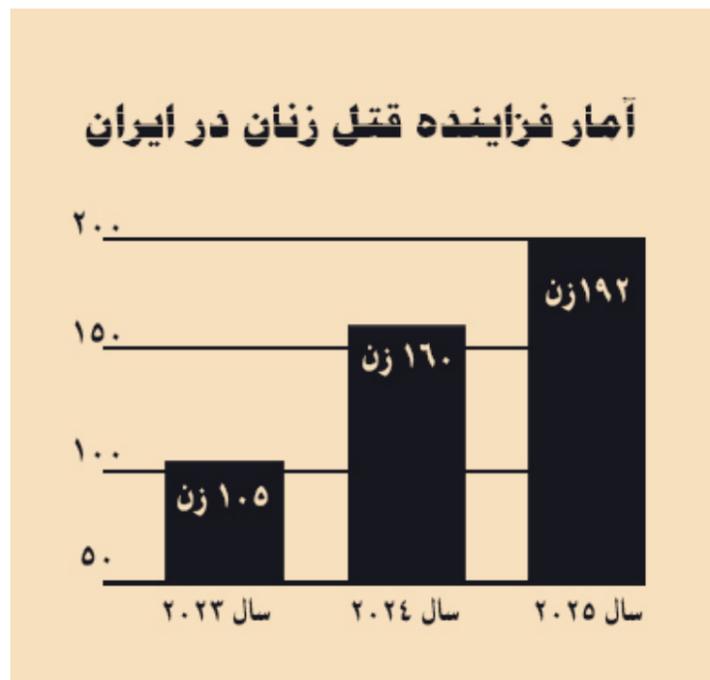
- قابل توجه است که در ۶ استان حتی یک خانه امن وجود ندارد و تعداد خانه های امن از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۴، یعنی ظرف ۱۱ سال، هیچ افزایشی نداشته است.
- فریبا درویشی، رئیس دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی: «ظرفیت محدود خانه های امن در کشور تنها امکان نگهداری از ۱۰ درصد زنان خشونت‌دیده را فراهم می‌کند.» (سایت حکومتی فراتاب ۲۲ مرداد ۱۴۰۴)
- خانه های امن غیردولتی با کمبود بودجه، تهدیدهای امنیتی و فشارهای سلیقه‌ای مدیران مواجه هستند. حتی مراکزی که با حمایت مردم و سازمان‌های خیریه شکل گرفته‌اند، در معرض تعطیلی قرار دارند. این محدودیت‌ها نه تنها خدمات حمایتی را محدود می‌کنند، بلکه انگیزه فعالان برای ایجاد مراکز جدید را کاهش می‌دهند. (شرق ۱۹ مهر ۱۴۰۴)
- مؤسس خانه امن غیردولتی «آتنا» می‌گوید: «ما در این سال‌ها فقط برای زنده ماندن جنگیده‌ایم. مجبور شدیم فتیله‌مان را پایین بکشیم تا در خانه امن بسته نشود. اگر صدایمان بلندتر می‌شد، همان ابتدا اجازه ادامه فعالیت نمی‌دادند.» (شرق ۱۹ مهر ۱۴۰۴)

قتل زنان در ایران: کشتن زنان در سایه مصونیت ساختاری

در رژیم زن ستیز آخوندی، زنان ایرانی در هیچ زمان و مکانی امنیت ندارند. اگر از چنگ نیروهای سرکوبگر در خیابان جان به در ببرند، در خانه ممکن است قربانی «ظن ناموسی»، مخالفت با ازدواج اجباری، درخواست طلاق، یا حتی تلاش برای دفاع از حق خود شوند.

- بسیاری از این قتل‌ها در برابر چشمان کودکان یا سایر اعضای خانواده رخ می‌دهد و به چرخه خشونت در نسل‌های بعد دامن می‌زند. در میان قربانیان، مواردی از قتل زنان باردار یا مادران همراه با فرزندان‌شان نیز به چشم می‌خورد.
- خشونت حکومتی علیه زنان ایران به مراتب گسترده‌تر از خشونت خانوادگی است و این در حالی است که قوانین زن‌ستیزانه رژیم ایران همواره حق زنان را پایمال می‌کند.
- «مصونیت ساختاری» قاتلان در نظام زن ستیز ملایان ترمی است که در گزارش اخیر هیأت حقیقت یاب سازمان ملل به کار رفته‌است.

- در حالی که زنان به دلیل «برداشتن روسری» یا اعتراض به تبعیض، به احکام سنگین زندان محکوم می‌شوند، مردانی که همسران خود را به قتل می‌رسانند، معمولاً با چند سال حبس



- و طبعاً آمار گردآوری شده یک آمار حداقلی است چون رژیم در منتشر کردن این اخبار غیرشفاف است و بسیاری از خانواده‌ها نیز از ترس قاتلین از پخش شدن اخبار قتل زنان خودداری می‌کنند.
- بر اساس این اطلاعات ۱۰۵ قتل در سال ۲۰۲۳، ۱۶۰ قتل در سال ۲۰۲۴ و در سال ۲۰۲۵، حداقل ۱۹۲ قتل زنان در ایران رخ داده است.

● زهرا افتخارزاده، مؤسس خانه امن آتنا در تهران: «ما با افزایش خشونت خانگی مواجهیم اما در نبود آمار علمی و ملی باعث شده تصویر دقیقی از واقعیت نداشته باشیم. هیچ نهاد رسمی در ایران مسئولیت جمع‌آوری داده‌های دقیق در این زمینه را برعهده نگرفته و پژوهش‌های گسترده‌ای هم انجام نشده است.» (روزنامه شرق ۱۹ مهر ۱۴۰۴)

● وی همچنین گفت: «هر روز شاهد افزایش آمار قتل زنان در ایران هستیم. حتی با این که آمارهای مشخص نیست، می‌بینیم که هر دو روز یک زن کشته می‌شوند و آمار بسیار بالایی است. فقط در شادگان در استان خوزستان، حداقل پنج زن کشته شدند، این آمار در شرایطی به دست آمده که در این کشور هیچ نهادی وجود ندارد که خود را ملزم به ارائه آمار در این زمینه بداند و آمارهای شفاهی است. بنابراین باید به این اعداد ضریب بدهیم که بگوییم واقعی است.» (روزنامه هم‌میهن ۴ آبان ۱۴۰۴)

● شیرین احمدنیا، رئیس انجمن جامعه‌شناسان ایران: «این موضوع (قتل زنان) ریشه‌های عمیق ساختاری دارد و در عین حال شاهد سکوت و غفلت در برابر این رخداد هستیم... نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های انباشته در جامعه در نهایت به حذف فیزیکی یک زن منتهی شده است. خشونتی که در چارچوب خانه شکل می‌گیرد، بازتاب مستقیم آن چیزی است که تحت عنوان سیاست‌های نابرابر در سطح کلان جامعه است.» (روزنامه هم‌میهن ۴ آبان ۱۴۰۴)

کودک همسری که یک ازدواج اجباری و زود هنگام در ایران است و امری قانونی و رایج به شمار می‌آید، یک جنایت سازمان‌یافته حکومتی و از اشکال نهادینه خشونت علیه دختران نوجوان است. این پدیده در سابه قوانین ضد شرع نظام ولایت فقیه گسترش یافته و بخشی از سازوکار سرکوب زنان و کنترل جامعه شده است.

رشد پدیده کودک همسری در ایران نه یک مسئله فرهنگی بلکه زائده رژیم زن ستیز ملایان است که به دلیل سیاست‌های سیاسی و اقتصادی رژیم تبدیل به یک فاجعه اجتماعی شده است.

اگرچه قانونی بودن ازدواج دختر بچه‌های ۱۳ ساله به خودی خود پدیده شوم رژیم ملایان و اوج کودک آزاری و زن ستیزی آنها می‌باشد ولی در همین قاموس که قانون، ازدواج پیش از بلوغ را به ظاهر ممنوع می‌داند، اما تبصره‌های مبهم آن این ممنوعیت را بی‌اثر کرده است و در عمل، ازدواج دختران زیر ۱۳ سال با اجازه ولی و قاضی «در صورت مصلحت» مجاز است؛ عبارتی مبهم که در واقعیت به ابزاری برای سوءاستفاده و مشروعیت بخشیدن به کودک همسری تبدیل شده است.

نتیجه، نظامی است که کودک همسری را قانونی و نهادینه ساخته و آن را ترویج می‌کند.

کودک همسری؛ خشونت نهادینه علیه کودکان و دختران نوجوان

● علی کاظمی، مشاور معاون حقوقی قوه قضائیه: سالانه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار کودک در ایران ازدواج می‌کنند که به طور رسمی ثبت می‌شود و این آمار شامل کسانی که خارج از فرآیند رسمی ازدواج می‌کنند نیست. (روزنامه حکومتی انتخاب ۱۳ اسفند ۱۳۹۷)

● محمدرضا محبوب فر، پژوهشگر آسیب‌های اجتماعی: آمارهای اعلام شده توسط مرکز آمار ایران «نوک کوه یخ آمارهای کودک همسری» است. رقم کودک همسری ۵ تا ۶ برابر آمار اعلام شده می‌باشد. (خبرگزاری حکومتی رکنا ۳ مرداد ۱۴۰۰)

● محمدرضا محبوب فر، پژوهشگر آسیب‌های اجتماعی: «اکنون هر شبانه روز ۱۰۰ ازدواج زیر ۱۵ سال در کشور ثبت می‌شود.» (روزنامه حکومتی آرمان ملی ۵ مرداد ۱۴۰۰)



ابعاد فاجعه

● آمار رسمی خود گویای فاجعه است. طبق داده‌های مراجع حکومتی، بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ بیش از ۱۳۱ هزار دختر زیر ۱۵ سال به ازدواج وادار شده‌اند. (سایت حکومتی بهار ۱۰ فروردین ۱۴۰۱)

● در سال ۱۴۰۰ ازدواج بیش از ۳۲ هزار دختر بچه زیر ۱۵ سال در ایران ثبت رسیده است. (رسانه حکومتی مردم سالاری ۸ دی ۱۴۰۱)

● در سال ۱۴۰۱، ۲۶ هزار و ۹۷۴ دختر دیگر نیز به همین سرنوشت دچار شدند. در همان سال، ۱۳۹۰ دختر زیر ۱۵ سال مادر شدند. (سایت حکومتی رکنا ۳۰ مهر ۱۴۰۳)

● آخرین آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار رژیم از ازدواج ۹۷۵۳ دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله در بهار سال ۱۴۰۰ خبر می‌دهد.

● با افزایش فشار افکار عمومی، رژیم ایران برای پنهان کردن عمق بحران در جامعه گرفتار فقر ساختاری، فساد حکومتی و قوانین زن ستیزانه، در سال ۱۴۰۳ انتشار آمار و اطلاعات درباره کودک همسری و شمار کودکان متولد شده از مادران زیر سن قانونی در ایران را متوقف کرد.

● کارشناسان متفق القول هستند که آمار ثبت شده و اعلام شده به طور رسمی بسا کمتر از واقعیت است.

چند نمونه دردناک

● **فاطمه سلیمانی، ۱۲ ساله**
دختری از کرمانشاه که زیر فشار خانواده برای ازدواج با مردی مسن، بارها گریه و التماس کرد تا او را مجبور نکنند. وقتی هیچ کس صدایش را نشنید و مهمتر اینکه قانون او را حمایت نکرد، دست به خودکشی زد.

● **فاطمه مرادپور، ۱۵ ساله**
در لرستان، خانواده‌اش او را وادار به ازدواج با مردی ۴۰ ساله کردند. او تحمل این تحقیر را نداشت و خود را حلق‌آویز کرد.

● **شیما رمشک، ۱۴ ساله**
دختری از جنوب ایران که تنها چند ماه پس از ازدواج، خودکشی کرد. او به اجبار به عقد مردی چند دهه بزرگ‌تر از خود درآمده بود.

● این مرگ‌ها تکرار تراژدی تلخی است که هر روز در گوشه‌ای از ایران تکرار می‌شود.



از راست به چپ: فاطمه مرادپور - شیما رمشک - فاطمنا سلیمانی

افزایش نگران کننده کودک آزاری: ۵۵ درصد قربانیان دختر بچه‌ها هستند

مقررات تبعیض آمیز حضانت و محدودیت‌های حمایت قانونی، عملاً دختران را در معرض آسیب مضاعف قرار می‌دهد؛ کودکانی که نه تنها در خانواده‌ها، بلکه در مراکز حمایتی و درمانی نیز از امنیت و حمایت محروم هستند. گزارشات حاکی است که کودک آزاری در ایران، پدیده‌ای رو به رشد و در صدر آسیب‌های اجتماعی است. رسانه‌های حکومتی و مسئولان سازمان بهزیستی در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ به روند صعودی و نگران کننده این پدیده اعتراف کرده‌اند.

قانون حضانت و نظارت قضایی در ایران، به جای در نظر گرفتن امنیت کودک، بر «حق پدر» تأکید دارد. در این نظام، خشونت خانگی و کودک آزاری نه استثناء، بلکه نتیجه مستقیم ساختار قانونی است. در چنین ساختاری، نهادهایی مانند بهزیستی عملاً نقشی نمادین دارند. حتی در مواردی که گزارش‌های کودک آزاری به دست‌شان می‌رسد، اقدامی برای نجات یا حمایت از قربانی انجام نمی‌شود.

● حسن موسوی چلک، معاون سازمان بهزیستی: حساسیت و واکنش‌های افکار عمومی نسبت به آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه کودک آزاری، به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. تنها در یک سال گذشته، بیش از یک میلیون تماس با اورژانس اجتماعی در رابطه با خشونت خانگی ثبت شده است؛ رقمی تکان‌دهنده که از افزایش بی‌سابقه خشونت و درماندگی خانواده‌ها حکایت دارد و ۵۵ درصد گزارش‌های کودک آزاری مربوط به دختران است. (خبرآنلاین ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴)

● نیا چلیانی، دختر بچه‌ای هفت ساله در بوکان بود، پس از پنج ماه آزار جنسی از سوی برادر نامادری‌اش، با آثار شدید ضرب و جرح، سوختگی و خونریزی به بیمارستان منتقل شد و یک روز بعد جان باخت. او هرگز نتوانست از رنج خود سخن بگوید. پدر نیا که سال‌ها همسرش را کتک زده و با چاقو تهدید کرده بود، بدون هیچ محدودیتی اجازه نگهداری از دخترش، نیا کوچک را داشت. مادر نیا به مطبوعات گفت که پدرش اجازه نمی‌داد او را ببیند و نهادهای قضایی و انتظامی نیز برای یافتن و نجات کودک همکاری نکردند.

● در گزارش‌های محلی رسانه‌های حکومتی مانند «شهرآرانیوز» در تیرماه ۱۴۰۳، آمار بالایی از کودک آزاری در استان‌ها منتشر شد که وخامت وضعیت و بالا بودن آمار آسیب‌ها را نشان می‌دهد.

● مدیرکل بهزیستی استان خراسان رضوی: طی ۱۱ ماه فقط در این یک استان، سه هزار و ۷۱۴ مورد کودک آزاری به اورژانس اجتماعی گزارش شده است. (خبرگزاری تسنیم ۷ بهمن ۱۴۰۳)

● در زنجان، آوا یارقلی، دانش‌آموز کلاس اول، توسط پدر معتادش به طرز فجیعی به قتل رسید. علیرغم صلاحیت مادر از نظر مالی و اخلاقی، قوانین زن‌ستیز رژیم، حضانت کودک را به پدر واگذار کرده بود و زمینه این جنایت را فراهم کرد.



آوا یارقلی دانش آموز کلاس اول



نیا چلیانی دختر بچه هفت ساله



میلیونها کودک کار به خصوص دختران در معرض سوءاستفاده‌های جسمی و جنسی قرار دارند

کودکان کار و خیابان قربانیان خشونت سیستماتیک

میلیون‌ها کودک کار در خیابان‌های شهرهای ایران، پدیده‌ای زاینده گسترش فقر تحت حاکمیت رژیم ملایان است. این کودکان از هیچ حمایت و پشتیبانی دولتی برخوردار نیستند و به عکس مورد آزار و اذیت و خشونت‌های سیستماتیک و مستمر کارکنان شهرداری و نیروی انتظامی قرار می‌گیرند. به خصوص دختران خردسال در خیابانها و کوچه‌ها و حومه‌های شهرهای بزرگ و در کنار اتوبان‌ها... آمارهای زیر در مورد کودکان کار در ایران تنها نوک کوه یخ می‌باشد.

● روزنامه همشهری ۱۲ آذر ۱۴۰۱: برخی فعالان اجتماعی کودکان کار را تا ۷ میلیون نفر هم اعلام می‌کنند.

● هشت سال قبل وقتی فقر به اندازه امروز گسترده نبود، ناهید تاج‌الدین، یکی از اعضای مجلس رژیم، گفت: «برخی کارشناسان مشکلات اقتصادی شهری، تعداد کودکان کار در ایران را بین ۳ تا ۷ میلیون تخمین می‌زنند.» (تسنیم ۵ مهر ۱۳۹۶)

● حسن موسوی چلک، معاون سلامت اجتماعی بهزیستی: «یک چهارم کودکان کار، دخترند.» (تسنیم ۲۱ خرداد ۱۴۰۴)

● کودکان کار، به‌ویژه دختران، در معرض سوءاستفاده‌های جسمی و جنسی قرار دارند. (ایلنا ۲ بهمن ۱۴۰۳)

● دختران کار برای امنیت بیشتر، موهای خود را پسرانه کوتاه می‌کنند تا کمتر جلب توجه کنند. (ایسنا ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰)



تحصیل کرده اما محروم: ژرفای شکاف جنسیتی در ایران

۵

ایران در قعر رتبه بندی جهانی شاخص های شکاف جنسیتی

ساختار بازار کار در ایران مردسالارانه است و بر این پیش فرض بنا شده که مردان نان آور خانه هستند و زنان باید به امور خانه داری و پرورش کودکان بپردازند. سهمیه های استخدامی و تسهیلات بانکی و حتی سیاست های رفاهی به گونه ای اجرا شوند که اولویت تسهیلات را به مردان بدهند و زنان را در حاشیه نگه دارند. قوانین کار و خانواده عملاً از استقلال اقتصادی زنان حمایت نمی کنند و اشتغال زنان منوط به اجازه همسر است.

گزارش هایی که در رسانه ها و در مراجع بین المللی مثل بانک جهانی و گزارش فروم اقتصاد جهانی منتشر می شوند، بر اساس داده های رسمی دولت است. از آنجا که رژیم ملایان در انتشار آمار شفافیت ندارد و آمار را به نفع مصالح سیاسی دستکاری می کند، این گزارش ها نمی توانند واقعیت موجود در ایران را بازتاب بدهند. با این همه، همین بررسی ها حاکی از شکاف جنسیتی غول آسا در ایران است.

● گزارش فروم اقتصاد جهانی سال ۲۰۲۵: رتبه جمهوری اسلامی ایران در میان ۱۴۸ کشور جهان، در رابطه با نابرابری های جنسیتی و اثر بخشی سیاست های ملی با هدف ترویج برابری جنسیتی در رده ۱۴۵ قرار دارد.

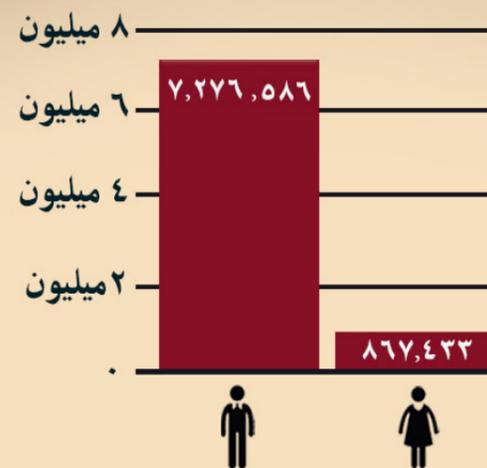
نمره کلی ایران در شکاف جنسیتی ۰.۵۸۳ مشخص شده است. نمره آموزش ۰.۹۷۷ و نمره بهداشت و درمان ۰.۹۶۴، نمره مشارکت سیاسی ۰.۰۳۱ و نمره مشارکت اقتصادی ۰.۳۴۳ است.

جایگاه رژیم ایران در انتهای اندکس شکاف جنسیتی حاکی از شکاف عمیق به ویژه در زمینه مشارکت اقتصادی و سیاسی است.

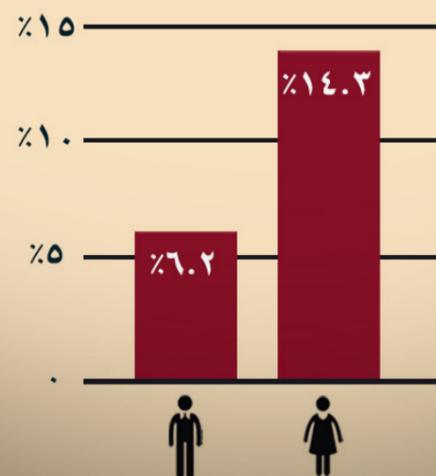
● اشتغال زنان در ایران کم تر از پاکستان و عربستان است. در مقایسه با کشورهای دنیا وضعیت ایران در زیر شاخص برابری اقتصادی تنها از بنگلادش و سودان بهتر است؛ اما در زیر شاخص نرخ مشارکت نیروی کار وضعیت ایران تنها با ۲۰.۱ درصد از همه بدتر است. (رویداد ۱۸ ۲۴ اسفند ۱۴۰۳)

● در خاور میانه، ایران در قعر جدول رتبه بندی کشورهای منطقه، در میان ۱۵ کشور، رتبه ۱۴ را دارد. در این جدول امارات، اسرائیل، تونس، بحرین، اردن، عربستان، قطر، کویت، لبنان، مصر، عمان، مراکش و الجزیره به ترتیب بالاتر از ایران قرار دارند و کشور سودان بعد از ایران رتبه ۱۵ را دارد. (رویداد ۱۸ ۲۴ اسفند ۱۴۰۳)

تعداد شاغلان صنعتی در ایران بر اساس تفکیک جنسیتی



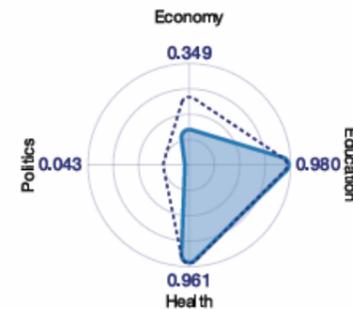
نرخ بیکاری در ایران بر اساس تفکیک جنسیتی





Global Gender Gap Index 2025 Edition

Islamic Republic of Iran score
average score



Overview

Index and Subindex	2025		▼ 2024	
	Score	Rank	Score	Rank
Global Gender Gap Index	0.583	145th	0.579	143rd
Economic Participation and Opportunity	0.349	146th	0.343	144th
Educational Attainment	0.980	100th	0.977	102nd
Health and Survival	0.961	120th	0.964	116th
Political Empowerment	0.043	142nd	0.031	143rd

- بر اساس گزارش مرکز آمار ایران ۶۵ درصد از زنان شاغل در بخش خدمات و ۲۲.۴ درصد در بخش صنعت و ۴.۳ درصد در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند و این تفاوت نشان می‌دهد که بخش خدمات با وجود کم‌درآمدی و بی‌ثباتی هنوز هم پناهگاه آخر زنان در جامعه است. (ایسنا ۲۱ آبان ۱۴۰۴)
- بررسی‌ها از آخرین وضعیت اشتغال در بخش صنعت کشور حکایت از آن دارد که در زمستان سال گذشته (۱۴۰۳) ۸ میلیون و ۱۴۴ هزار و ۱۰۸ نفر در این بخش مشغول به کار بوده‌اند... تعداد شاغلان صنعتی مرد ۷ میلیون و ۲۷۶ هزار و ۵۸۶ نفر و تعداد شاغلان صنعتی زن ۸۶۷ هزار و ۴۳۳ نفر بوده است... در زمستان سال گذشته برای ۱۳۳ هزار و ۴۵۳ مرد شغل ایجاد شده اما ۸۲ هزار و ۹۶۵ زن شغل خود را ازدست داده‌اند. (خبرگزاری مهر ۲۵ فروردین ۱۴۰۴)
- نگاهی به نرخ بیکاری در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله نشان‌دهنده بحران عمیق‌تری است. در بهار ۱۴۰۴، نرخ بیکاری این گروه سنی در سطح کشور ۱۹.۷ درصد بوده است. این عدد برای زنان جوان ۳۰.۹ درصد و برای مردان ۱۷.۴ درصد اعلام شده که بیانگر تبعیض جنسیتی گسترده در فرصت‌های شغلی است. (اقتصاد آنلاین ۲۵ تیر ۱۴۰۴)

- بر اساس گزارش UNDP، ایران در سال ۲۰۲۳ با کسب رتبه ۰.۴۸۲، بیشترین نابرابری جنسیتی را پس از افغانستان، عراق و پاکستان در میان کشورهای همسایه داشته است. بر اساس این شاخص، از میان ۱۹۶ کشور مورد بررسی ایران رتبه ۱۲۳ را کسب کرده است. (دنیای اقتصاد ۷ خرداد ۱۴۰۴)
- با وجود آنکه زنان بیش از ۶۰ درصد دانش‌آموختگان دانشگاه‌های کشور را تشکیل می‌دهند اما نرخ مشارکت اقتصادی آنان فقط حدود ۱۴ درصد است. در حالی که این شاخص برای مردان به ۶۸.۴ درصد رسید. (شرق ۲۱ آبان ۱۴۰۴)
- طبق گزارش مرکز آمار ایران از میان ۱۴ میلیون نفر شاغل فقط دو میلیون و ۲۰۰ هزار نفر را زنان تشکیل می‌دهند. (ایسن ۲۱ آبان ۱۴۰۴)
- ۸۶ درصد زنان نه به عنوان شاغل و نه به عنوان جویای کار جایی در فضای اقتصادی بازار کار (ایران) ندارند. (اقتصاد آنلاین ۲۵ تیر ۱۴۰۴)
- بیش از ۲۸ میلیون زن در سن کار، به دلیل موانع ساختاری در عرضه و تقاضای بازار، از چرخه اقتصاد ایران خارج هستند. (تأمین ۲۴ دی ۱۴۰۴)

- بیکاری دو برابری زنان: نرخ بیکاری ۱۴.۳ درصدی زنان در مقابل نرخ ۶.۲ درصدی مردان، این شکاف عمیق نشان می‌دهد حتی از جمعیت محدود زنان حاضر در بازار کار، نسبت کمتری موفق به یافتن شغل می‌شوند. (تأمین ۲۴ دی ۱۴۰۴)
- از هر ۱۰ زن بیکار، حدوداً ۷ نفر دارای مدرک دانشگاهی دارند، این امر نشان می‌دهد وضعیت بازار کار زنان تحصیل کرده تعریف چندانی ندارد. (اکوایران ۳ اسفند ۱۴۰۳)
- مریم زنده‌دل، حقوق‌دان: با وجود حضور پررنگ زنان در دانشگاه‌ها و کسب مدرک تحصیلی بالا بسیاری از آنان در بازار کار با شغل مناسب و متناسب با تحصیلات خود مواجه نیستند. زنان تحصیل کرده غالباً با مدارک فوق‌لیسانس و دکترای در مشاغل با دستمزد پایین و غیرمتناسب با تخصص خود مشغول کار هستند و این وضعیت حاصل رویه‌های اجرائی و ساختارهای بازار کار است. (شرق ۲۱ آبان ۱۴۰۴)
- زهرا کریمی، اقتصاددان و کارشناس بازار کار: هرچند وضعیت کلی اشتغال برای همه اقشار بسیار دشوار است اما در ایران این مسئله برای زنان شدیدتر بروز پیدا می‌کند و زنان از بسیاری از مشاغل کنار گذاشته می‌شوند، برای مثال در ادارات دولتی هنگام

جذب کارشناسان اولویت با مردان است درحالی که هیچ تفاوتی بین عملکرد کارشناس زن و مرد وجود ندارد. (شرق ۲۱ آبان ۱۴۰۴)

● مریم زنده‌دل، حقوق‌دان: در بخش دولتی زنان با سختگیری بیشتری در گزینش مواجه هستند و یک‌سری استانداردهای ظاهری را باید رعایت کنند که مردان با آنها مواجه نمی‌شوند و در بخش خصوصی موضوع ازدواج و باروری زنان عامل جدی در محدود شدن فرصت‌های شغلی آنان به شمار می‌آید و باعث قراردادهای کوتاه‌مدت و فسخ آنها می‌شود و پس از ازدواج یا باروری از بازار کار به‌راحتی حذف می‌شوند و حتی حمایت‌های قانونی مانند مرخصی زایمان به دلیل ضعف در اجرا تضمینی برای ادامه اشتغال به وجود نمی‌آورد. (شرق ۲۱ آبان ۱۴۰۴)

شکاف جنسیتی

۱. شکاف جنسیتی و نبود دسترسی زنان ایرانی به فرصت‌های برابر
۲. ساختار بازار کار در ایران مردسالارانه است.
۳. قوانین کار و خانواده عملاً از استقلال اقتصادی زنان حمایت نمی‌کنند.
۴. اشتغال زنان منوط به اجازه همسر است.



تله بی رحم فقر: زنانی که با تن و فرزند تاوان می دهند

جامعه ایران یکی از طولانی ترین بحران های اقتصادی خود را تجربه می کند. این فشارها سطح معیشت مردم ایران به ویژه زنان را دگرگون ساخته است. آنها در معرض ۱۲۰ نوع آسیب اجتماعی قرار دارند. یکی از اصلی ترین این آسیب ها که به شکل خشنی چهره جامعه را تغییر داده است زنانه شدن فقر است.

کارشناسان رژیم بارها اعلام کرده اند که تورم ساختاری، بیشترین فشار را بر زنان و لایه هایی می آورد که کمترین دسترسی را به منابع مالی و مالکیت دارند. به دلیل گرانی شدید پروتئین و لبنیات، فقر غذایی در بین زنان منجر به افزایش نرخ کم خونی و پوکی استخوان شده است. به دلیل هزینه های سرسام آور مسکن و نان کالاهای بهداشتی ضروری از سبد خرید خانوار حذف شده است.

- براساس آمارهای بین المللی، بیش از ۸۰ درصد خانوارهای ایرانی زیر خط فقر جهانی قرار دارند. حدود هفت میلیون نفر در فقر مطلق و نزدیک به ۴۰ میلیون نفر در فقر نسبی به سر می برند. (رویداد ۲۴ آذر ۱۴۰۴)
- رتبه بندی کیفیت زندگی در ایران از جمله آموزش، غذا، مسکن، اشتغال، آزادی ها و مراقبت های بهداشتی در میان ده کشور خاورمیانه در رتبه دهم قرار دارد. (خبرآنلاین ۱ فروردین ۱۴۰۴)
- رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی: سبد معیشت یک خانوار سه نفره در حال حاضر بیش از ۴۰ میلیون تومان هزینه دارد. (ابتکار ۹ دی ۱۴۰۴)
- افقه کارشناس حکومتی: عدد ۴۰ میلیون برای خط فقر تهران را می توان یک عدد حدسی و تخمینی در نظر گرفت. معتمد حداقل ۶۰ میلیون تومان لازم است که به خط فقر برسیم. (سایت فرارو ۷ دی ۱۴۰۴)
- حداقل ۴۲ درصد جمعیت ایران دچار فقر مطلق هستند. یعنی از حداقل های یک زندگی انسانی محرومند. حدود ۷ میلیون نفر جمعیت کشور دچار گرسنگی هستند. یعنی زیر خط گرسنگی هستند. (تلگرام چند ثانیه ۲۵ آبان ۱۴۰۴)

بهای انسانی افول اقتصادی در ایران

۶





خط فقر: ۶۰ میلیون تومان
سبد معیشت: ۴۰ میلیون تومان

۷ میلیون نفر دچار گرسنگی
یعنی زیر خط گرسنگی هستند

رواج فروش نوزاد:
یک نوزاد سه ماهه
در کرمانشاه به قیمت
۲۵۰ میلیون تومان فروخته شد

قیمت هایی که هر روز بالاتر می روند

- هشدار وزارت بهداشت: ۴۵ درصد جامعه اقلام غذایی مورد نیاز بدن را دریافت نمی کنند و دچار سوء تغذیه هستند. در این میان زنان و کودکان و سالمندان از همه بیشتر آسیب می بینند. (روزنامه ستاره صبح ۱ آذر ۱۴۰۴)
- مصرف گوشت خانواده های ایرانی به طور متوسط تنها ۸ کیلوگرم در سال است و سه دهک پایین جامعه فقط ۲ کیلوگرم گوشت مصرف می کنند. (روزنامه ستاره صبح ۲۶ شهریور ۱۴۰۴)
- مرکز آمار ایران نرخ تورم نقطه به نقطه در ماه مهر را ۴۸ و ۶ درصد اعلام کرد. خرج خوراک هر خانوار در هفته بیش از ۵ میلیون تومان و در ماه بیش از ۲۰ میلیون تومان می شود. علاوه بر اینها هزینه اجاره بها، آموزش، رفت و آمد، پوشاک و دارو فشار بر مردم فشار را بیشتر می کند. (روزنامه ستاره صبح ۱ آذر ۱۴۰۴)
- آخرین آمار مرکز آمار ایران نشان می دهد. گروه خوراکی ها و آشامیدنی ها در مهرماه بیشترین تورم را تجربه کرده است. نان و غلات با ۹۸ درصد افزایش قیمت، میوه ها با ۹۴ درصد و سبزیجات با ۷۷ درصد صدرنشین جدول گرانی های ماهانه هستند. (دیدار نیوز ۸ آبان ۱۴۰۴)

بیماران داروهای خاص خود را می فروشند و مادران کودکانشان را

- نایب رئیس هیأت مدیره انجمن شرکت های پخش دارو گفت برخی بیماران در اوج فقر داروهای خاص خود را می فروشند. فردی که داروی کمیاب ویژه بیماری خاص خود را می فروشد از سر تنگدستی این کار را می کند. در واقع برخی از افرادی که به مرحله بالاتر از سیاهی رنگی نیست رسیده اند در اوج استیصال معیشتی اقدام به فروش داروهای شخصی خود می کنند. (فرارو ۶ اسفند ۱۴۰۳)
- در مشهد خرید و فروش نوزاد رواج پیدا کرده است. یک نوزاد به ارزش ۶۰ میلیون تومان فروخته شد. زنی که تنها ۲۳ سال داشت به دلیل فقر مطلق دست به این کار زد و این تنها یک نمونه نیست. (زیستان ۲۳ بهمن ۱۴۰۳)
- یک نوزاد سه ماهه توسط پدر و مادرش به دلیل فقر شدید در شهر کرمانشاه به قیمت ۲۵۰ میلیون تومان به یک خانواده دیگر فروخته شد. (۲۷ مهر ۱۴۰۴)
- قیمت موهای طبیعی سر به ارقام نجومی رسیده است. از ۲ میلیون تومان برای کوتاه ترین تارها تا ۱۰ میلیون برای گیسوان بلند و دست نخورده. زنان برای به دست آوردن کمی از هزینه های زندگی خود به فروش موی خود و دخترانشان مجبور می شوند. (رکنا ۱۶ فروردین ۱۴۰۴)

زنان، فقر و اعتیاد: انکار یک فاجعه اجتماعی که هر روز گسترده تر می شود

- عدم شفافیت و دستکاری آمار همواره بخشی از رویکرد رژیم آخوندی نسبت به آمار آسیب های اجتماعی از جمله اعتیاد بوده است. بیش از ۹ سال است که مسئولین مختلف در رژیم آخوندی بر «زنانه شدن پدیده اعتیاد» و «افزایش نگران کننده» آن تأکید می کنند. اما آمار رسمی اعلام شده تاکنون روی ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر مصرف کننده مستمر و غیر مستمر، ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار معتاد مستمر که ده درصد آن زنان می باشند فیکس شده است. این در حالی است که مقامات در لابلای صحبت هایشان به نرخ هبرابری شیوع اعتیاد در یک دهه هم اذعان کرده اند. دسترسی آسان به مواد مخدر ارزان و جدید، در میان فقرافسارگسیخته نشان می دهد که سیاست رژیم گسترش عمده اعتیاد در بین جوانان و زنان است.
- مصرف مواد مخدر در سنین پایین و افزایش آمار اعتیاد بین زنان و نوجوانان شیوع پیدا کرده است. (تسنیم ۱۱ شهریور ۱۴۰۴)
- میانگین سنی مصرف مواد مخدر در زنان در سنین بین ۲۳ تا ۴۴ سال گزارش می شود. (اقتصاد آنلاین ۱۰ آذر ۱۴۰۴)
- آمار زنان مصرف کننده مواد مخدر نسبت به سال های گذشته بیشتر شدند. این واقعیت تلخ، زنگ هشدار جدی است. (جهان صنعت، ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴)
- تنها در یک مورد از نگهداری ۱۶ هزار و ۷۴ زن معتاد در ۷۴ مرکز اقامتی گزارش شده است. (اقتصاد آنلاین ۱۰ آذر ۱۴۰۴)
- طبق گفته محمد رضا سهرابی معاون بهداشت دانشگاه ملی تهران در سال ۱۳۹۵ شیوع مصرف بانوان ۲.۴ درصد بوده سال ۱۴۰۰ به ۴.۲ درصد افزایش پیدا کرده است. (سایت دانشجو ۲۹ بهمن ۱۴۰۳)



سن اعتیاد در دانش آموزان
به ۱۰ تا ۱۲ سالگی و مقطع راهنمایی رسید

مصرف مواد مخدر در مقایسه با سال ۹۵
حدود ۹۰ درصد در بین زنان افزایش داشت

اعتیاد جوانان و دانش آموزان

- متأسفانه سن اعتیاد به سن ۱۰ تا ۱۲ سالگی و مقطع راهنمایی رسیده است. (جهان صنعت ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴)
- محمدرضا مسجدی، دبیرکل جمعیت مبارزه با دخانیات گفت: ۷۰ هزار نفر سالانه در ایران به دلیل مصرف دخانیات جان خود را از دست می دهند، در چند سال اخیر، مصرف قلیان در میان دختران ۱۴ تا ۱۵ ساله ۱۳۳ درصد رشد داشته است. (ایرنا ۱۹ آذر ۱۴۰۳)
- این آمارها درحالی است که با یک گذر ساده در خیابانها، پارکها و کافی شاپهای شهرها شاهد استعمال دخانیات از جمله سیگار، قلیان و حتی مخدرهای نوظهوری چون گل در میان نوجوانان دختر و پسر هستیم. (ایرنا ۱۹ آذر ۱۴۰۳)
- رییس دبیرخانه ستاد کنترل دخانیات در وزارت بهداشت آمار مصرف انواع مواد مخدر در بین جمعیت بالای ۱۸ سال را نگران کننده اعلام کرد و گفت: مصرف مواد مخدر در مقایسه با سال ۹۵ حدود ۹۰ درصد در بین زنان و ۳۴ درصد نیز در بین مردان افزایش داشت. (شفقنا ۱۰ تیر ۱۴۰۴)

بحران افسردگی

- افسردگی در ایران به یک بحران جدی تبدیل شده است و آمارها نشان می دهند که زنان دو برابر مردان به این اختلال مبتلا هستند. (رکنا ۴ فروردین ۱۴۰۴)
- با استناد به آمار دولتی حدود ۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار دانش آموز در کشور وجود دارد. براساس یکی از مطالعات انجام شده نزدیک به ۴۳ درصد از این تعداد دارای افسردگی هستند... ۱۹ درصد افسردگی خفیف، ۳۰ درصد متوسط و ۱۶ درصد از جمعیت کل دانش آموزان مبتلا به افسردگی شدید هستند. (روزنامه جهان صنعت ۳۰ مهر ۱۴۰۴)

افزایش قربانیان زن در تصادفات جاده ای

- تصادفات جاده ای یکی از سه عامل اصلی مرگ و میر غیرطبیعی در ایران است. برآوردهای رسمی و بین المللی نشان می دهد خسارت تصادفات رانندگی در ایران سالانه معادل ۶ تا ۸ درصد تولید ناخالص داخلی است. افزایش قربانیان زن در تصادفات نشان دهنده یک بحران صعودی و نامتناسب در آسیب پذیری این قشر از جامعه در برابر سوانح ترافیکی است.
- در گزارش سازمان پزشکی قانونی آمده است، در نیمه نخست سال ۱۴۰۴، ده هزار و ۴۱۴ نفر در حوادث رانندگی جان خود را از دست دادند. این رقم نسبت به مدت مشابه در سال ۱۴۰۳، رشد ۳۳ درصدی داشت. به طور میانگین روزانه ۵۷ نفر یعنی در هر ۲۵ دقیقه یک ایرانی در تصادف جان خود را از دست می دهد. (آرمان امروز ۱۵ آبان ۱۴۰۴)
- افزایش زنانی که در تصادفات ۷ ماه ابتدایی سال ۱۴۰۴ جان خود را از دست دادند، تنها در تهران ۶۳ درصد بوده است. (خبرگزاری صدا و سیما رژیم و ایرنا ۲۸ آبان ۱۴۰۴)
- سایت ایمنی راه و حمل و نقل در آذر ۱۴۰۴ اعلام کرد در

جاده های ناامن، هوای مسموم: عوارض فزاینده بر زندگی زنان ایرانی



۱ سالانه حدود ۵۰ هزار نفر به دلیل آلودگی هوا جان می دهند

خطر هوای آلوده برای زنان:

۲ کاهش رشد جنین، زایمان زودرس و تشدید بیماری های تنفسی برای مادران

آثار آلودگی هوا بر زنان و دختران

- طی ۴ ماه اول سال ۱۴۰۴ کلان شهرهای ایران تنها ۶ روز هوای پاک داشتند. (عصر ایران تیر ۱۴۰۴)
- سالانه حدود ۵۰ هزار نفر به دلیل آلودگی هوا جان خود را از دست می دهند. (ایلنا ۲۵ اسفند ۱۴۰۳)
- هوای آلوده تأثیرات مخربی روی زنان و به طور خاص جنین زنان باردار دارد. متخصصان نظام سلامت اذعان کردند، آلودگی هوا به طور مستقیم با کاهش شانس باروری زنان و افزایش خطر ناباروری از طریق اختلالات هرمونی مرتبط است. (عصر ایران به نقل از هم میهن ۱۹ آذر ۱۴۰۴)
- این خطرها خودش را در کاهش رشد جنین، زایمان زودرس و تشدید بیماری های تنفسی در مادر نشان می دهد. (عصر ایران ۱۹ آذر ۱۴۰۴)
- آلودگی هوا و غلظت بالای آلاینده های تراژونیک (مانند ذرات معلق و بنزین) در هوای کلان شهرها، با افزایش خطر سقط جنین و مرده زایی در ارتباط است. (عصر ایران ۱۹ آذر ۱۴۰۴)
- ظفرقندی وزیر بهداشت اعتراف کرد سالانه ۵۰ هزار کودک بر اثر آلودگی هوا در کشور جان خود را از دست می دهند. (۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴)



از فرار مغزها تا افزایش مهاجرت زنان

- در سالهای اخیر سهم زنان از مهاجرت افزایش یافته و در حال زنانه شدن است. بسیاری از زنان به صورت مستقل مهاجرت می‌کنند و تابع فرد دیگری نیستند. زنان با تحصیلات بالا و انگیزه استقلال اقتصادی و اجتماعی خود پیشروی جریان مهاجرت هستند. (ایرنا ۲۶ شهریور ۱۴۰۳)
- بر اساس مرکز آمار ایران در پاییز ۱۴۰۳، حدود ۷۱ درصد از کل جمعیت تحصیل کرده بیکار ایران را زنان تشکیل می‌دهند و بیکاری یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت است.

مهاجرت کادر درمان

- یکی دیگر از اقشاری که مجبور به مهاجرت هستند پرستاران و پزشکان هستند.
- سالانه بیش از ۳۰۰۰ پرستار از کشور مهاجرت می‌کنند. (عصر ایران ۹ فروردین ۱۴۰۴)
- طی ۸ ماه نخست سال ۱۴۰۳، ۴۵۰۰ نفر از اعضای کادر درمان (پزشک و پرستار) برای مهاجرت اقدام کردند. (فرارو ۲۰ آذر ۱۴۰۳)
- وزیر بهداشت، محمدرضا ظفرقندی، شرایط معیشتی عامل اصلی مهاجرت پرستاران است. (خبرگزاری مهر ۱۸ آذر ۱۴۰۴)
- پرستاران در کشور درآمدی تقریباً بین ۲۵۰ تا ۴۵۰ دلار دارند که با تعویق پرداخت چندماهه مواجه می‌شود در حالی که همین پرستار در کشورهای اروپایی بین ۲۵۰۰ تا ۳۲۰۰ دلار درآمد ماهانه دارد و در بعضی از کشورها و بنا بر نوع تخصص و سوابق کاری این درآمد ماهانه تا مرز ۶۲۰۰ دلار و حتی بیشتر افزایش پیدا می‌کند. (شهرخبر ۸ شهریور ۱۴۰۴)
- امروز در کشورهای اطراف ما و در کشورهای حاشیه خلیج فارس، حقوق پرستاران بیش از ۲۵ تا ۳۰ برابر نسبت به ایران است. (شهر خبر ۸ شهریور ۱۴۰۴)

خودکشی یکی از مهمترین مسائل بهداشت عمومی در ایران است که هر ساله زندگی هزاران نفر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فشار اقتصادی، قوانین سرکوبگرانه در مدارس و دانشگاه‌ها و فقدان حمایت از زنان در خانه و محیط خانواده به این روند فزاینده چه در زمینه خودکشی‌های منجر به مرگ و چه در زمینه اقدام به خودکشی دامن زده است.

آمار حاکی از آن است که نرخ خودکشی در ایران نه تنها بالاتر از میانگین جهانی است بلکه به صورت نگران‌کننده‌ای در برخی قشرهای خاص جامعه مثل زنان، جوانان و کادر درمان افزایش داشته است.

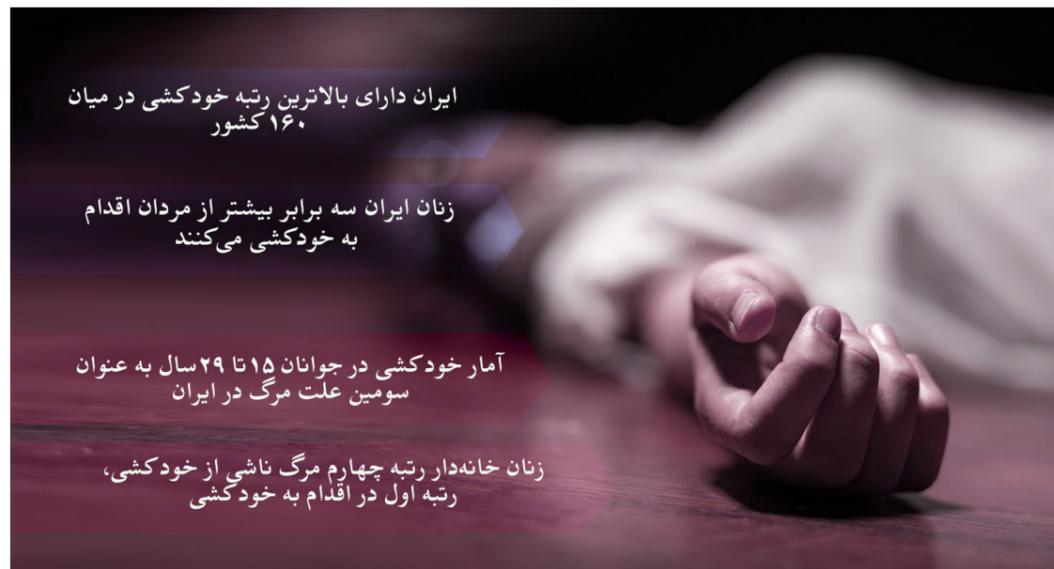
- در چهار سال اخیر سالانه ۱۰ درصد به مرگ‌های ناشی از خودکشی در ایران اضافه شده است. (هم میهن اول اسفند ۱۴۰۳)
- تا سال ۱۴۰۱ آمار خودکشی در ایران توسط سازمان پزشکی قانونی و وزارت بهداشت منتشر می‌شد، اما بعد از آن متوقف گردید. (هم میهن اول اسفند ۱۴۰۳)
- ایران در زمینه خودکشی در میان ۱۶۰ کشور رتبه اول را دارد. حمید یعقوبی، رئیس انجمن پیشگیری از خودکشی گفت: در ایران سالانه ۱۵۲ هزار و ۶۰۰ مورد اقدام به خودکشی و بیش از سه میلیون و ۴۱ هزار افکار خودکشی وجود داشته است. (هم میهن اول اسفند ۱۴۰۳)

بیکاری یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت

حدود ۷۱ درصد از کل جمعیت تحصیل کرده بیکار ایران زنان هستند



خودکشی، بحرانی عمیق شونده در میان زنان و کادر درمان



ایران دارای بالاترین رتبه خودکشی در میان ۱۶۰ کشور

زنان ایران سه برابر بیشتر از مردان اقدام به خودکشی می‌کنند

آمار خودکشی در جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال به عنوان سومین علت مرگ در ایران

زنان خانه‌دار رتبه چهارم مرگ ناشی از خودکشی، رتبه اول در اقدام به خودکشی

خودکشی خوشه‌ای میان رزیدنت‌های پزشکی

خودکشی در میان کادر درمان و به طور خاص در میان رزیدنت‌های پزشکی به بحرانی تکرارشونده تبدیل شده است. فشارهای کاری شدید، شیفت‌های طولانی، حداقل حقوق و فقدان حمایت نهادی بار روانی سنگینی بر رزیدنت‌های پزشکی وارد کرده و خودکشی‌های متعددی را رقم زده‌اند. مرگ آنان مکرراً از سوی مقامات نادیده گرفته شده است.

- ۳۴ درصد از رزیدنت‌های ایرانی دچار افکار خودکشی‌اند و سالانه به‌طور میانگین ۱۳ رزیدنت پزشکی در کشور خودکشی می‌کنند. با توجه به تعداد حدود ۱۵ هزار رزیدنت فعال، این رقم معادل ۱۰۰ مورد خودکشی در هر ۱۰۰ هزار نفر است؛ در حالی که نرخ جهانی حدود ۶/۵ خودکشی در هر ۱۰۰ هزار نفر است. (خبرآنلاین ۴ آبان ۱۴۰۴)
- نازیلا شاه منصوری، روانپزشک: پزشکان زن حدود ۱۲۰ درصد بیشتر از جمعیت عمومی زنان افکار خودکشی را تجربه می‌کنند، در حالی که این درصد برای پزشکان مرد ۴۰ درصد است. (اخبار روز ۲۲ شهریور ۱۴۰۴)
- دکتر مانیا ناصری‌منش: افزایش خودکشی در میان رزیدنت‌های پزشکی نمونه‌ای از «خودکشی خوشه‌ای» است، پدیده‌ای که مانند «ویروس» می‌تواند در یک گروه تکثیر شود. (آرمان امروز ۱۱ آذر ۱۴۰۴)

خودکشی در میان زنان و جوانان

- حسن موسوی چلک، معاون سازمان بهزیستی: آمارها نشان می‌دهد که زنان سه برابر بیشتر از مردان اقدام به خودکشی می‌کنند. (روز نو ۲۲ شهریور ۱۴۰۴)
- امیرحسین جلالی ندوشن، سخنگوی انجمن علمی روان پزشکی در ایران گفت: مرگ در اثر خودکشی در میان زنان، در چند سال گذشته دو برابر شده است. (اقتصاد نیوز ۲ مرداد ۱۴۰۴)
- حمید یعقوبی، رئیس انجمن پیشگیری از خودکشی: در سال ۱۴۰۱ زنان خانه‌دار، رتبه چهارم مرگ ناشی از خودکشی را داشتند، اما در اقدام با ۳۲۸ درصد اول بودند. (آرمان امروز ۲۲ شهریور ۱۴۰۴)
- آمار خودکشی در جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال هم به‌عنوان سومین علت مرگ در ایران شناخته می‌شود. (اقتصاد نیوز ۲ مرداد ۱۴۰۴)
- محمد بطحائی رئیس سازمان امور اجتماعی: «در گروه‌های سنی پایین‌تر از ۱۲ سال، اکنون شاهد افزایش موارد اقدام و حتی مرگ ناشی از خودکشی هستیم. (ایلنا ۴ آبان ۱۴۰۴)
- محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار، اعلام کرده است که آمار خودکشی پرستاران به مراتب بیشتر از پزشکان است، اما این آمارها به دلیل حساسیت موضوع، غیرقابل انتشار هستند. (عصر ایران ۲ مرداد ۱۴۰۳)

خوانندگان این گزارش، با ورق زدن صفحات آن، با مسئولیتی اخلاقی و انسانی روبه‌رو می‌شوند: مسئولیت سکوت نکردن و به رسمیت شناختن حقانیت مبارزه زنان و جوانان در ایران برای سرنگونی رژیم، نفی همه اشکال دیکتاتوری، و عزم آنان برای برقراری یک جمهوری دموکراتیک بر پایه جدایی دین و دولت، برابری جنسیتی، و حقوق برابر برای همه آحاد ملت ایران.

آزادی و برابری در ایران بهایی سنگین داشته است. ملت ایران بیش از ۱۰۰ هزار تن از بهترین فرزندان خود را در راه آزادی فدیّه داده است. آنها جان خود را فدا نکردند که از استبداد دینی به دیکتاتوری سلطنتی برگردند.



گزارش سالانه ۲۰۲۶

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

مارس ۲۰۲۶



wncri.org/fa



@womenncri



@womenncri

ISBN 978-2-35822-046-0



9 782358 220460 >